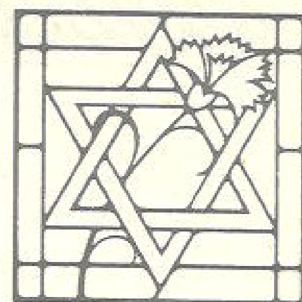
בּ"ה




تیراژ ۷۰۰۰ نسخه

مقالات ونامه های چاپ شده نمایانگر افکار نویسنده آن است وچشم انداز هیچ گونه مسئولیتی در این مورد ندارد.

از انتشارات
(سیامک) International Judea Foundation


# چشم انداز


سال اول — شماره ٦ — جون ۱۹۹۱ تموز ۵۷۵۱


# ברוכים הבאים

# خوش آمدید

# WELCOME



درجستجوی چه بودیم که به اینجا رسیده ایم؟

## من وگنجشکهای خونه

## غزل پرواز زیبای سلیمان

"داریوش فاخری"

با پاهای برهنه،
و صورتهایی که از کشیده آفتاب سیاه ست
با قطره های اشکی که سالهای سال دور از چشم آسمان
شلاق هجر ناخواسته پشت مردمکانت پنهان نموده بود

از اوج آسمان برمنظرم نشسته ای

آه ای برادر رفته در سالیان دور اینک تو یی تجسم زیبای هر غزل که سلیمان سروده بود





بر بالهای عقاب نبوت
با قامتی خمیده وچشمی پر از امید
با کوله بار رنج هزاران سال
با پای پرازتاول بی هیچ — هیچ
روسوی شیروعسل تهلیل نام خدا میکنی به غزل
«متبارک باد نام تو»



# مهاجرت تاریخی شلمو

عملیات غیرمنتظره و رضایتبخش "شلمو" داستان پرتلاطم و هیجان انگیزی است که سراسر دلهره و پر از امید، گروهی یهودی پراکنده و دربند را به آخر داستانی خوش میکشاند.

آوردن این پاره های جان، شادی بی شائبه و هیجان بینظیری را در تمام کشور اسرائیل بوجود آورد و خط بطلانی برتمام تبلیغات ضد صهیونیستهای دنیا کشید که کشور و دولت اسرائیل را نژادپرست میخوانند و بیهوده این باور را در مردم میپرورانندند که یهودیان از نظر دولت و کشور اسرائیل بنا به ملیت قبلی خرد دسته بندی میشوند و در مقام پست تر و بلندتری از یکدیگر قرار میگیرند.

دولت اسرائیل و دوستان آن اکنون بدرستی دریافته اند که گروههای مهاجر یهودی از روسیه ـ اتیوپی ـ ایران و دیگر کشورهای دیگر میتوانند مسائل اقتصادی و اجتماعی را درست نمایند ولی مسائل نژادی بهیچوجه تولید نخواهند کرد.

باتمام شباهتهائی که عملیات مهاجرت یهودیان اتیوپی با مهاجرت دیگر یهودیان مخصوصاً یمنی ها و مراکشیها میبینیم تفاوتهای فاحشی نیز به چشم میخورد.

در وحلهٔ اول دولت اسرائیل از موقعیت نظامی ـ اقتصادی و سیاسی قوی تری فعلاً در منطقه برخوردار است تا زمان مهاجرت مهاجران یمنی و مراکشی.

در مقابل یهودیان اتیوپی نیز رابطهٔ بهتری را با دولت و کشور اسرائیل برقرار خواهند نمود زیرا با آنکه اینها نیز از فرهنگ پائین تری به فرهنگ بهتری مهاجرت مینمایند ولی برعکس یهودیان مراکشی و یمنی که در هواپیما قوری و قابلمه بار گذاشتند که غذا بپزند، رؤسای قبایل وسران قومشان با آنان مهاجرت کردند، درصورتیکه ثروتمندان و رهبران تحصیلکرده کازابلانکا به پاریس و لندن رفتند و قوم بی سرپرست خود را روانه اسرائیل کردند و از این راه رابطه برقرار نمودن این درطبقه یهودی به سختی انجام گرفت.

حالا با مهاجرت یهودیان ایرانی ـ روسی ـ اتیوپی، تلاقی این استعدادها و فرهنگ پیشرفته و غنی اسرائیل باردار آینده ای روشن و بارآور خواهد بود.

• • • • • •

چشم انداز
JUDEA CHRONICLE
Published by: IJF
P.O.Box 3074
Beverly Hills, CA 90212
Tel. 818•503•1270
Fax 818•5039707
Editor: Dariush Fakheri
Asst. Editor: A. Aramnia
Art Supervision: L.A. Press

# غزل تازه سلیمان

توصیف موقعیت کشور اسرائیل و شهروندان آنکشور در برابر عملیات محیرالعقول "شلمو" با شگفتیهای مختص خودش، توصیف احساسات بی شائبه و زیبای یک شعر ناب و یک واقعه روحانی است.

یهودیان اتیوپی که با عملیات موشه به اسرائیل مهاجرت کرده بودند سراسر روز شنبه را در کنیساها به دعا پرداختند تا این عملیات با موفقیت به پایان برسد.

تمام مقامات روحانی یهودی با اعلام موافقت برای پرواز و نجات جان یهودیان اتیوپی در روز شنبه موافقت کرده بودند. زیرا برطبق قوانین تورات برای نجات جان یک انسان میتوان روز "شبات" را با همه عظمتش نادیده گرفت.

یک یهودی اتیوپی بنام "رحمیم الآزار" که مدیر بخش اتیوپی زبان رادیو اسرائیل میباشد اظهار داشت که این یک رؤیا برای ماست که به واقعیت پیوست، رؤیائی که شبانه روز برای آن جنگیدیم.

یک سخنگوی ارتش میگفت دائم خودم را نیشگون میگیرم. درست مثل این میماند که یک صفحه از تورات را بازکرده ام و یک واقعه مقدس و قدیمی را در آن می بینم که در شرف وقوع است. یکساعت پس از اتمام عملیات شلمو تلویزیون اسرائیل با قطع برنامه های خود بصورت رسمی اتمام و مراحل این عملیات را به اطلاع مردم اسرائیل رسانید.



شرانسکی که سالها در روسیه زندانی بود و بخاطر اعتقادات صهیونیستی به او لقب "زندانی صیون" داده بودند نیز در عملیات از طرف یکی از نشریات اسرائیلی بعنوان خبرنگار شرکت کرده بود. وقتی از او پرسیدند که آیا یهودیان اتیوپی ترا شناختند؟ جوابداد آری بعنوان یکی از کسانی که در هواپیما آب تقسیم میکند.

یک خبرنگار موقت که اصلاً نمیتوانست جلوی اشک ریختن خود را

←

→

بگیرد، میگفت "اینهمه گرمی و حرارت و یکپارچگی را تابحال از اسرائیلیها ندیده. آوازها ودست زدن و پایکوبی یهودیان اتیوپی در تمام مدت راه لذت واقعی را به ما نشان داد که تمام مسائل کشور را از یادمان میبرد.

هیلدا بن شالم که یک داوطلب یمنی بود میگفت: "پدر و مادرم دائماً راجع به عملیات قالیچه سلیمان" ( عملیات نجات یهودیان یمنی از یمن) برای ما تعریف میکردند، حالا میتوانم احساس آنها را درک کنم".

زن داوطلب دیگری که در حال کمک کردن به این جابجائی بود بنام " پنینا أشوتر" در جواب خبرنگاری گفت: "شکر خدا"، "شکرخدا میکنم"، "شکر خدا برای وجود کشور اسرائیل".

• • • • •

# فالاشاها در سرزمین موعود

یهودیان اتیوپی را، آنان "فالاشا" مینامند. فالاشا نامی است که بر برده میگذاردند و معنی آن یعنی "بیگانه".

زمانیکه روزنامه نگاری ایرلندی در مصاحبه اش با خبرنگار اسرائیلی از او میپرسد که "فالاشا" یعنی چه؟ چه مقدار پول کثیف یهودی و چند دست کثیف که این پولها را قبول کردند وجود داشت تا این عملیات انجام شد؟ یا چه احساسی اکنون در کشور ضدنژادی اسرائیل در مقابل این مهاجرت وجود دارد؟ و یا اینان را برای گوشت جلو گلوله وارد کردید؟ بایستی با واقعیت بیشتری با این مهاجرت روبرو شویم.

قبیلهٔ یهودی گم شده، "فالاشا"، قبیلهٔ گم شده" دان" یکی ازاسباط دوازده گانه یهودی است که در جنگهای نابرابر ۵۰۰ ساله مسیحیان اتیوپی بر علیه خودش تاب آورد و به زیستن ادامه داد.

میل مهاجرت به سرزمین صیون، فرار از دست نامردمیها و عشق بازگشت به زیستن با برادران اسباط دیگر( طبق روایات مذهبی یهود، ماشیح زمانی به اورشلیم برخواهد گشت که تمام اسباط یهود که در دنیا پراکنده هستند به کشور صیون برگشته باشند)، همیشه در وجود اینان شعله ور بود. ۱۲۵ سال پیش دست به یک مهاجرت دسته جمعی و اسفناك بصورت پیاده به اسرائیل زدند. ۷ سال پیش نیز وقتی هزاران نفر پیاده خواستند از طریق سودان به اسرائیل مهاجرت نمایند، ۲۰۰۰ نفرشان در راه مردند. پس ازاین،عملیات سری "موشه" بود که با کمك پرزیدنت بوش که در آنزمان معاون رئیس جمهور آمریکا بود طی سالهای ۸۴ _ ۸۵ تعداد ۸۵۰۰ نفر از طریق سودان به اسرائیل مهاجرت کردند که در کل رقمشان حدود ۱۸۰۰۰ نفر بود واکنون تعداد ۱۴۰۰۰ نفر طی عملیات شلمو وارد سرزمین صیون شدند و تعداد ۹۵ نفر آنان در اتیوپی ماندند که بزودی خارج خواهند شد.

• • • • • •



گروهی از یهودیان حبشه درهواپیمای ال عال

# طراح اصلی عملیات شلمو



مناخیم بگین

۱۴ سال پیش ازعملیات شلمو، گروهی از یهودیان اتیوپی با در دست داشتن شمارهای کمك خواهی برای مهاجرت اقوام خود در اتیوپی در مقابل ساختمان نخست وزیری دست به تظاهرات زدند.

مناخیم بگین، نخست وزیر وقت، بن الیزار، نماینده خود را به بیرون فرستاد تا با آنها گفتگو کند. تظاهرکنندگان با اعلام نارضائی فریاد میزدند "برادران ما را از اتیوپی نجات دهید". بن الیزار به آنها گفت که در این راه اقدام خواهد کرد. رهبر تظاهر کنندگان که شباهتی به سامی دیویس داشت با هیکل نحیفش روبروی او ایستاد و گفت این را همه میگویند شما هم کاری نمیکنید.

بن الیزار او را با خود بـد فتر نخست وزیری برد.

مناخیم بگین این یهودی سیاه چرده را پذیرفت. جوانك که تابحال با چنان مقامی روبرو نشده بود با دستپاچگی و اضطراب به وی گفت: "بما کمك کنید. برادران ما درخطرند". بگین به وی قول داد که برادران یهودی خودمان را به اسرائیل خواهیم گورد.

در حقیقت از اولین هفته های نخست وزیری خود، مناخیم بگین مهاجرت یهودیان اتیوپی را در دستور اول اقدامات خود قرار داده برد. در این راه با مخالفت رؤسای حزب کارگر و برخی از مقامات بالای اجتماعی روبرو بود که یهودیان حبشه ای را مواد نامناسبی برای ساختار کشور میشناختند، ولی وی بی مهابا و با تصمیم راسخ و تامل و بردباری طرح این عملیات را ریخت و در این راه کوشید.

ون پس از عملیات سری "موشه" و معجزه آسای "شلمو" در حالیکه دنیا در شوك موفقیت این طرح عظیم جابجائی انسانهاستو به ستایش این قوم که با ایثار همه چیز برادران و خواهران پابرهنه و بی هیچ گمشده در هزاران سال غربت را به دامان خود برمیگرداند برخاسته است.

اسحق شمیر از زحمات بی شائبه و خستگی ناپذیر بوش تشکر میکند و داوید لوی وزیر خارجه اسرائیل از رفیق خویش

←

## طراح اصلی عملیات

جیم ( جیم بیکر وزیر خارجه امریکا) سپاسگزاری مینماید و موشه آرنز، وزیر دفاع اسرائیل، نیروی دفاعی اسرائیل و سیمخا دینیتز، رئیس آژانس یهود را میستاید و طراح اصلی عملیات موشه و شلمو در اطاق کوچك و محقر خود در اسرائیل نه به یاد میآید و نه خودش بیانیه ای صادر میکند و یا مصاحبه ای ترتیب میدهد.

• • • • • •

# خوش امدید



استقبال شهروندان اسرائیلی دریکی ازپلاژهای جنوب ازتازه واردین حبشه ای

## عملیات پشت پرده

در جریان عملیات شلمو تمام هواپیماهای مسافربری ال عال اسرائیل شرکت داشتند. برخی ازاین هواپیماها با برداشتن تمام صندلیهای خود و گذاردن تشك توانستند بیش از ظرفیت خود مهاجر حمل نمایند. تعداد ٤ هواپیمای هرکولس " سی – ۱۳۰" اسرائیلی و یك هواپیمای کرایه ای اتیوپی نیز در عملیات بکار برده شد.

طبق گزارش برخی از خبرگزاریها، دوسوم مهاجرین بچه بودند. تعداد ٦ بچه در صحن سفارت اسرائیل در آدیس آبابا و ٤ بچه در هواپیما،در آسمانها بدنیا آمدند.

در جریان عملیات "شلمو" پرزیدنت بوش رئیس جمهور امریکا با دخالت شخصی و فشار، کنفرانس صلح لندن را که میان گروههای مخالف و دولتی اتیوپی برقرار بود به حالت تعلیق درآورد تا تمام یهودیان اتیوپی توسط نیروهای دفاعی اسرائیل خارج شوند. چریکهای ضد دولتی که بسیاری از آنان توسط کشورهای عربی حمایت میشوند با آنکه چندین مدت است که پایتخت اتیوپی را زیر بمباران بی وقفه قرار داده بودند، در تمام مدت عملیات که ۲۲ ساعت طول کشید از بمباران دست کشیدند و حتی یك گلوله به پایتخت شلیك نشد. پس از پایان عملیات دوباره به بمباران خود ادامه و آدیس آبابا را در عرض چند روز به خاك و خون کشیدند.

باآنکه اطلاعات رسمی و اخبار دقیقی از طرف موساد و اداره اطلاعات ارتش اسرائیل در مورد عملیات آنان پخش نشده، با اینهمه طبق اطلاعات جسته و گریخته دو شخصیت اصلی و مهره های مذاکرات پشت پرده که سالها ادامه داشته " سیمخا دینیتز" رئیس آژانس یهود و " یوری لوبرانی" نماینده قبلی اسرائیل در ایران بوده اند.

یوری لوبرانی همان شخصیتی که بدرستی خروج شاه را ازایران و پیدایش یك حکومت فناتیك مذهبی را پیش بینی کرده بود. وی در مورد منگیستو، دیکتاتور سابق اتیوپی نیز همین پیش بینی را نمود و همانطور که در اخبار آمد وی که تا آخرین لحظه با گروگانکشی یهودیان اتیوپی درخواست رشوهای کلان میکرد با روبرو شدن با واقعیت نشار چریکها از ترس جان با کمکهای سیاسی دول بزرگ به زیمبابوه پناهنده شد.

عملیات شلمو که طرح آن با دقت از طرف نیروهای دفاعی و موساد ریخته شده بود دارای ۷۰ مامور تربیت شده از طرف موساد بود که براحتی به زبان اتیوپی صحبت میکردند. وظیفه این گروه تسهیل ارتباط بین مهاجرین جدید و مامورین اداره امور بود.

مازاد بر این گروه تعداد ۱۲۰۰ نفر کرماندوی اسرائیلی با لباسهای شخصی ولی مسلح زیر نظر ژنرال شاهاك مدت ۲۲ ساعت کنترل فرودگاه آدیس آبابا را در دست گرفتند. وظیفه این گروه از جان گذشته کنترل فرودگاه ، نظم امور و دفاع از جان یهودیان اتیوپی در مقابل هرگونه خطری بود.

هواپیماهای اسرائیلی با موتور روشن سراسر مدت عملیات در باند فرودگاه آماده پرواز بودند. در تمام این مدت رانندگان موساد اتوبوسهای اسرائیلی را به سفارت اسرائیل برده و مسافرین را سوار نموده و از میان جمعیت انبوه شهروندان اتیوپی که با گریه میخواستند با یهودیان از آنکشور خارج شوند عبور کرده و به فرودگاه بازمیگشتند.

در آخرین دقایق عملیات طبق گزارشات خبرگزاریها رهبران طماع اتیوپی در پی رشوه بیشتر با گرفتن ۲۵ میلیون دلار نقد آخرین مشکل را از راه برداشتند و ۱٤۱۰۰ یهودی اتیوپی با صورتهائی سیاه، چشمانی پر از امید، با شرلاها و دستارهای سفید، بی هیچ نقدینه، چمدان و یا زیوری، کشور اتیوپی را ترك کردند. اینان تنها اجازه داشتند کتابهای مذهبی را با خود حمل کنند.

# اسرائیل امروز

تهیه و ترجمه: داوید فاخری

## دیدار مقامات چین

بتازگی گروهی از مقامات عالیرتبه ارتش چین بمنظور خرید تکنولوژی پیشرفته هوائی اسرائیل برای استفاده در نیروی هوائی کشورشان بطور پنهانی مذاکراتی را با مقامات مربوطهٔ اسرائیلی در اورشلیم آغاز نمودند.

مقامات مزبور ضمن ابراز شگفتی از کاربرد وسائلی که توسط اسرائیلیها اختراع و بر روی جنگ افزارهای امریکائی بکار گذاشته شده و در جریان جنگ خلیج فارس مورد استفاده مثبت نیروهای امریکائی قرار گرفته بوده اند خواستار خرید آنان گردیده اند که از میان آنان انواع موشکها، هواپیماهای ردیاب بدون خلبان، توپهای ۱۰۵ میلیمتری و به ویژه تکنولوژی مخصوصی که بخاطر استفاده در هواپیماهای ( لاوی) ساخت اسرائیل فراهم گردیده بوده و چینی ها مایلند آنان را در هواپیماهای جنگی که بتازگی از شوروی خریداری کرده اند بکار گیرند را نام برد.

لازم به تذکر است که ابزارهای نامبرده قبلاً توسط کشورهای امریکا، فرانسه و آلمان غربی از اسرائیل خریداری شده اند.

• • • • • •

## رار مقام عراقی به آمریکا

یك مقام برجسته اتمی عراق که در عین حال خود نیز دانشمند علوم اتمی میباشد به تازگی به امریکا پناهنده گردید و هم اکنون بازجوئی از وی توسط اداره های اطلاعات کشور و ارتش ادامه دارد.

پنتاگون اعلام نمود که تمام مواضع اتمی عراق در جریان جنگ خلیج منهدم گردیده است و اگر احتمالاً آنکشور توانسته مقداری از اورانیومهای قابل استفاده در سلاحهای اتمی را محفوظ نگهدارد، بنظر نمیرسد که به این زودیها قادر به ساخت سلاحهای جدیدی از این نوع باشد.

## کشتار شیعیان در عراق

هفته گذشته در لندن گروهای شیعه مخالف صدام مانند حزب اسلام دعوت، مجمع عالی اسلامی عراق، سازمان فعالیتهای اسلامی و حزب اسلامی و دیگران اعلام کردند که ارتش آنکشور خود را آماده حمله گسترده به مناطق شیعه نشین نموده است. بنا به گزارش سربازان فراری از ارتش، سپاهیان صدام خود را آمادهٔ حمله به منطقه «العمره» که تعداد زیادی از فراریان و پناهندگان شیعه در آن بسر میبرند نموده اند.

فعالین ضددولتی از کشورهای امریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان و چین خواستار آن گردیده اند که بمانند دخالت مثبت آنان در شمال کشور که به رهائی جان کردها انجامید یا تحت حفاظت گرفتن مناطق شیعه نشین نیز از کشتار دستجمعی آنان توسط نیروهای عراقی جلوگیری کنند.

نمایندگان کمیته پناهندگان سازمان ملل که بتازگی از اردوگاههای پناهندگان شیعه در خاك ایران دیدن نموده اند از شواهد زنده ای نام برده که دنیای اسلام با کمال بی توجهی به آنان حکایت از به توپ بستن کودکان در جلو چشمان والدینشان توسط سربازان عراقی و همچنین کشتار ۱۶۰۰ تن از مردان و زنان شیعه بوسیله تیر داغ و عبور از روی آنان توسط غلطکهای اسفالت صاف کنی دارد. و این در حالیست که کشور اسرائیل با احساس اولین زنگ خطر در مورد جان یهودیان اتیوپی با صرف میلیونها دلار و بکار بردن بیش از ٤۰ فروند هواپیما و بخطر انداختن جان سربازان از جان گذشته خود در پی نجات موفقیت آمیز آنان برآمده است.

• • • • • •

## لخ والنسا:

# من بنام ملتم از شما طلب بخشش میکنم

با ایراد این جملات لخ والنسا رئیس جمهور لهستان سخنرانی خود را در مجلس اسرائیل ( کنست) آغاز نمود.

سخنانش همکاریهای مشترك پارتیزانهای یهودی و سازمان دفاع زیرزمینی لهستان در مقابله با اشتغالگران



نازی را باعث افتخار ملت لهستان یاد میکرد بعداً با واکنش شدید عده ای از پارتیزانهای یهودی که یکی از آنان را خانمی که اکنون عضو پارلمان اسرائیل میباشد مواجه گردید که خانم مزبور ضمن تکذیب این رابطه ازخود ساخته و با ارائه مدارکی ثابت نمود که اعضاء گروه مقاومت لهستان ( آرمیا کاریووا) با لو دادن و بدام انداختن پارتیزانهای یهودی و اعضاء خانواده آنان بدست سربازان آلمانی بنا به شواهد موجود کار خود را در مورد پاکسازی یهودیان از لهستان بعد ازخاتمه اشغال نازیها آسانتر مینموده اند. لخ والنسا در خاتمه سخنانش ضمن طلب عفو مجدد قول داد که بدرخواست سوریه در مورد خرید تانکهای ساختن کشورش جواب رد بدهد، و از نخست وزیر اسرائیل درخواست کرد که برای بازدیدی رسمی به کشور وی سفر نماید که مورد قبول آقای اسحاق شمیر قرار گرفت و به زمانی موکول گردید که دفتر سازمان خرابکاران فلسطینی در ورشو بسته گردد.

وی که در بازگشائی روابط سیاسی کشورهای بلوك شرق با اسرائیل که در پی آمد جنگ شش روزه قطع گردیده بود از این کشور بازدید رسمی بعمل میآورد از ملت و دولت اسرائیل و کلیه یهودیان جهان بخاطر دورنگیها و خیانتهای ملت لهستان که نسبت به هموطنان یهودیشان اعمال گردیده بود اظهار تاسف و شرمساری نمود و خواستار آن گردید که ملت یهود با فراموش کردن آن رویدادهای وحشتناك و با ادامهٔ روابطه با کشورش به پیوندهای چندین هزار ساله مشترك یهودیان و لهستانیها که دارای ریشه های عمیق بویژه فرهنگی میباشند کمك نمایند. نمایندگان حاضر در مجلس که برخی آنان را نجات یافتگان (هالاکاست) تشکیل میدادند و خود شاهد نابودی افراد بیگناه یهودی در اردوگاههای مرگ واقع در لهستان بوده اند با نوعی بی آرامی و ناباوری به سخنان وی گوش میدادند.

لخ والنسا که در میان

## توضیح

در شمارهٔ گذشته چشم انداز، در صفحه دوم عکسی چاپ شده بود که یك خرابکار فلسطینی را با غل و زنجیر نشان میداد که



ناجوانمردانه و نامردانه از پشت با گفتن الله و اکبر چهار زن اسرائیلی را با ضرب چاقو به خاك و خون کشیده و وقتی این ناانسان را گرفتند و خبرگزاریها خبر را پخش کردند روزنامه کیهان هوائی جمهوری اسلامی ایران از او بعنوان یك رزمنده نامبرده بود و ماموران امنیتی اسرائیل را وحشی خوانده بود.

در رابطه با نوشته " من و گنجشکهای خونه" در صفحه ۲ ستون چهارم سطر شماره ۱۰ نویسنده نوشته بود " این بود نظر اپوزیسیون خارج از کشور و این عکس نیز نمونه کسانی است که با پرتاب موشکهای عراقی به اسرائیل در خیابانها نقل و شیرینی پخش میکردند."

در صفحه اول شماره قبل مرامنامه سازمان، کاملاً علاقه ونظر ما را به کشور صیون نشان میدهد. متاسفانه ملاحظه کاری نویسنده برای نام نبردن جمهوری اسلامی و نظر آنان در این روزنامه باعث این سوءتفاهم از طرف گروهی از خوانندگان محترم ما شد که خدای ناخواسته نظرات کیهان هوائی ایران و نویسندگان و دست اندرکاران عقده ای و ضد یهود نشریات ایرانی که توسط دولت فعلی ایران پشتیبانی میشود، نظر نویسنده چشم انداز بوده است، که اصلاً واقعیت ندارد.

• • • • • •

# ASSASSINATION AND MASSACRE IN THE ARAB WORLD

# قتل و آدم کشی در دنیای عرب

## قسمت دوم

## قتل های سیاسی

دنیای عرب بیشترین تعداد قتل های سیاسی را در جهان داشته است. این اتفاقی نیست که لغت Assassinate یا (قتل سیاسی) یک ریشه عربی دارد.

یک فرقه بنام اسماعیلیه مخالفان خودشان را تحت تأثیر حشیش می کشند و بدینوسیله به مقاصد سیاسی خودشان دست پیدا می کردند.

تعداد زیادی از قتل های سیاسی معمولاً نتیجه یک کودتای نظامی بوده است.

### در عراق

**۱۴ جولای ۱۹۵۸**

در جریان یک جابجائی ملک فیصل، شاهزاده پرنس عبدالله بنی علی و تمام اعضاء خاندان سلطنتی در کاخ سلطنتی در آن زمان بقتل رسیدند، نخست وزیر نورالسعید در زیر شکنجه جان سپرد، دو نفر از وزراء اردن در بغداد در آن زمان، نخست وزیر اسبق ابراهیم هاشم و سلیمان توکان هم اعدام شدند.

**۸ فوریه ۱۹۶۳**

پرزیدنت قاسم در جریان یک کودتای نظامی بقتل رسید.

**۶ نوامبر ۱۹۶۸**

وزیر سابق امور خارجه دکتر ناصر الحانی بقتل رسید.

**۲۷ ژانویه ۱۹۶۹**

کلنل مصطفی نصرت رهبر حزب بعث در بغداد بقتل رسید.

**جون ۱۹۶۹**

شیخ عبدالعزیز البدری عضو فرقه مسلمانان شیعه بقتل رسید.

**جولای ۱۹۶۹**

عبدالصاتر حذر عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست بقتل رسید.

**۸ اپریل ۱۹۷۰**

ژنرال عبدالقانی ار راوی توسط عراقیها در تهران بقتل رسید.

**۱۴ مه ۱۹۷۰**

علی سعید سفیر سابق عراق در افغانستان در سفارت عراق در بمبئی بقتل رسید.

**۳۰ مارچ ۱۹۷۱**

هاردان التاکتریتی معاون سابق رئیس جمهور وزیر دفاع عراق در کویت بقتل رسید.

**۱۵ دسامبر ۱۹۷۱**

فواد ارریکابی وزیر سابق توسعه بقتل رسید.

**جولای ۱۹۷۹**

صدام حسین با یک انقلاب خونین به رهبری حزب بعث به حکومت رسید.

**۸ اگست ۱۹۷۹**

وزیر معاون و صنایع و وزیر استان کردنشین عراق اعدام شدند، ۲۲ تن از رهبران سیاسی اعدام و تعداد زیادی زندانی شدند.

**اکتبر ـ نوامبر ۱۹۷۹**

یک پاکسازی بیش از ۳۰۰ تن از مخالفان و پاکسازی بیش از ۲۰ نفر.

**مارچ ـ اپریل ۱۹۸۰**

یک افسر ارشد ارتش دستگیر و کشته شد.

**مه ۱۹۸۱**

امام باقرالصدر رهبر شیعیان از محل زندگیش ربوده و کشته شد.

### اردن (قتل)

**۲۰ جولای ۱۹۵۱**

ملک عبدالله هنگام ورود به مسجد الاقصاء در اورشلیم به قتل رسید.

**۲۹ اگست ۱۹۶۰**

هذا المجالی نخست وزیر و ۱۰ تن از همراهانش در یک انفجار بقتل رسیدند.

**۲۸ نوامبر ۱۹۷۱**

وصفی طال نخست وزیر توسط گروه سپتامبر سیاه در قاهره به قتل رسید.

### لبنان (قتل)

**۱۶ جولای ۱۹۵۱**

ریادالصلاح در عمان توسط ناسیونالیستهای سوریه بقتل رسید.

**۷ مه ۱۹۵۸**

ناصی المتبن بقتل رسید این یکی از علل بروز جنگ داخلی شد.

**۲۸ جولای ۱۹۵۹**

وزیر اسبق نعیم موقابقاب بقتل رسید.

**۱۶ مه ۱۹۶۶**

کامیل موروا سردبیر روزنامه الحیات در لبنان بقتل رسید.

**۳۱ اگست ۱۹۶۸**

کامیل شمعون در یک توطئه قتل زخمی شد.

**۱۶ مارچ ۱۹۷۷**

کمال جمبلات بقتل رسید.

**۱۳ جون ۱۹۷۸**

قتل تونی فرانجیه پسر پرزیدنت سابق توسط گروه فالانژیست ها.

**۱۴ سپتامبر ۱۹۸۲**

شمیر جمایل رئیس جمهور مسیحی لبنان با انفجار بمب توسط گروه فالانژیست ها در لبنان.

**۱۴ اگست ۱۹۴۹**

حسنی زعیم، رئیس جمهور و نخست وزیر، سوشین بارازی اعدام شدند.

**۳۱ جولای ۱۹۵۰**

کلنل ممدحسن ناصر فرمانده نیروی هوایی بقتل رسید.

**۲۹ اکتبر ۱۹۵۰**

ژنرال سامی هیناوی در لبنان بقتل رسید.

**۲۲ اپریل ۱۹۵۵**

کلنل عدنان الملکی (سوریه) در لبنان بقتل رسید.

**۲۷ سپتامبر ۱۹۶۴**

رئیس جمهور سابق ادیب شیشکلی در برزیل بقتل رسید.

**۴ جون ۱۹۷۰**

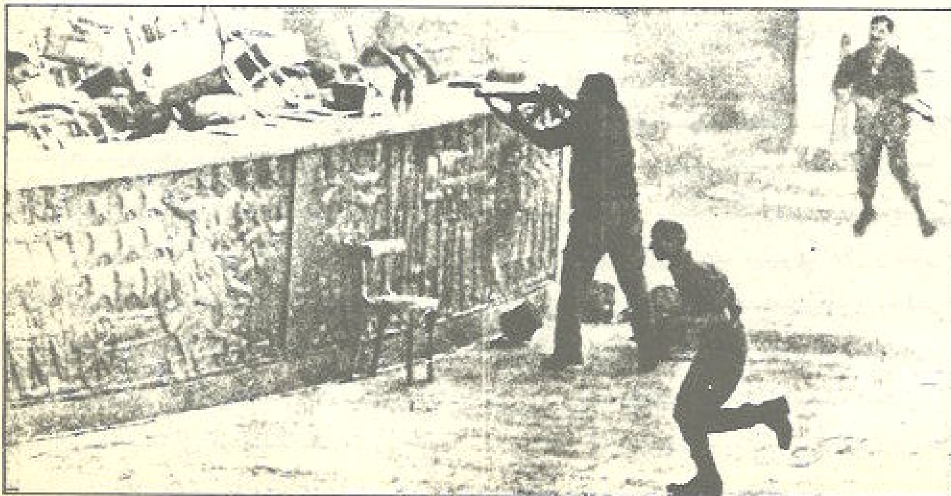
مصطفی سمانا رهبر سیاسی بقتل رسید.

**۴ مارچ ۱۹۷۲**

وزیر سابق دفاع، محمد عمران در تریپولی بقتل رسید.

**۱۰ جولای ۱۹۷۳**

پرزیدنت حافظ اسد در یک توطئه قتل مجروح شد.



Scene of President Anwar as-Sadat's assassination in Cairo, 6 October 1981.

**۱۰ جولای ۱۹۷۵**

الازاوی در دمشق به قتل رسید

**۱۱ اکتبر ۱۹۷۶**

در یک حمله به سفارت سوریه در رم توسط طرفداران عراق. سفیر سوریه به شدت زخمی شد درهمان روز یک حمله به سفارت سوریه در پاکستان انجام شد.

**۲۲ فوریه ۱۹۷۷**

رئیس دانشگاه دمشق به قتل رسید.

**۲ نوامبر ۱۹۷۷**

سوریه ادعا می کند که رهبر حزب سوریه توسط عراق به قتل رسید.

**۲۱ جولای ۱۹۸۰**

صلاح الدین البیتار یکی از بنیانگران حزب بعث در پاریس بقتل رسید.

**۳۰ جولای ۱۹۸۰**

عابدالهاد البچری رهبر اخوان المسلمین در عمان بقتل رسید و دو تن از اعضاء ناسیونالیست

**۲۷ دسامبر ۱۹۸۰**

درویش الزونی در دمشق به قتل رسید.

**۱۷ مارچ ۱۹۸۱**

اعظم العطار رهبر تبعیدیان اخوان المسلمین در آلمان بقتل رسید.

### در مصدر (قتل)

**۲۸ دسامبر ۱۹۴۸**

نخست وزیر نوکراشی پاشا توسط یکی از اعضاء اخوان المسلمین بقتل رسید.

**۱۲ فوریه ۱۹۴۹**

حسن البناء به تلافی قتل نخست وزیر به قتل رسید.

**۱۹۶۷**

فیلد مارشال عامر رهبر ارتش مصر.

**۳ جولای ۱۹۷۷**

محمد حسین اذهابی وزیر سابق، توسط رهبران دست راستی اسلامی ربوده شده و بقتل رسید.

**۶ اکتبر ۱۹۸۱**

پرزیدنت انورالسادات در یک رژه نظامی در قاهره بقتل رسید.

**۹ مه ۱۹۶۸**

رهبر سودان، ویلیام دانگ وشش تن از هم حزبانش بقتل رسیدند.

**۳۱ مارچ ۱۹۷۰**

امام مهدی و پسرش در یک قتل عام علیه فرقه مذهبی النصار بقتل رسیدند.

### تونس (قتل)

**۱۲ اگست ۱۹۶۱**

صلاح بن یوسف، وزیر اسبق در فرانکفورت بقتل رسید. رئیس جمهور مصر، ناصر علناً بورقیبه را مسئول این قتل شناخت.

بقیهٔ در صفحه ۱۲



# اسرای جنگی خاورمیانه

داوید فاخری

داستان اسرای جنگی قرنهاست که همواره جزئی لاینفك از درگیریهای نظامی کشورها را تشکیل میداده است.

از زمانیکه اسرا را به سیاهچالها فرستاده، شکنجه میکردند یا به بیگاری میکشاندند و یا جلوی حیوانات درنده میانداختند تا این زمان که قوانین بین المللی مانند "ژنو" حقوق خاصی را شامل حال آنان میداند که کشور اسرائیل از معدود کشورهائی است که با اجراء آن قوانین نمونه بارزی از انسان دوستی و شرافت سربازی را در مورد گرفتاران جنگی نشان میدهد همواره با مشکلات همراه بوده است .

همگان کم وبیش از جنگهای مختلف این کشور با دشمنان دور و نزدیك خود و در نتیجه پیروزی ارتش آن بر میلیونها تن از قوای آنان که همیشه بمنظور دفاع از تمامیت ارضی خود بوقوع پیوسته و تعویض اسرای بیشماری را از قوای دشمن با چند تن از اسرای خود درپی داشته بخاطر دارند.

وقوع جنگ لبنان که بنام " عملیات صلح گالیل" معروف است چهره دیگری به داد و ستدهای اسرا بخاطر نوع بی رویه و عاری از احترام به قوانین بین المللی که از جانب شبه نظامیان حزب اللهی، شیعه های امل، پاسداران انقلاب اسلامی ایران، حبش و جبرئیل و غیره که از جنگهای رودررو گریز داشته و به آدم ربائی و ایجاد ترور جهانی دست میزنند ارائه داد که هنوز بعد از سالها اورشلیم نتوانسته به نوعی سازش با عقب گرایان متعصب در مورد تعویض اسرا دست یابد. چون به تجربه ثابت گردیده که نیروهای عرب چه متشکل و یا خلاف آن با اطمینان به اینکه راحتی و آسایش اسرایشان در زندانهای اسرائیلی حتی به مراتب بهتر از شهروندان کشورشان میباشد از زیر تعویض آنان با گرفتاران اسرائیلی دربندشان سر باز زده اند. واین کشور یهوداست که همواره نگران افراد خود بوده و میخواهد هرچه زودتر به پایان دادن این غائله پرداخته و با گرفتن خبری هرچند مختصر از حال آنان به دلهای نگران و چشمان منتظر خانواده هایشان هرچند هم موقت بوده باشد آرامش دهد.

رویدادهای اخیر جهانی که تحول چشمگیری را در تغییر مثبت روابط کشورهای شرق و غرب ایجاد نمود و نقش مؤثر کشور یهود را در روند سیاستهای جهانی آشکارتر کرد( همچون عملیات خارق العاده نجات یهودیان اتیوپی) باعث گرید که حتی کوردلان متعصب منطقه را هم تا اندازه ای روشن نماید تا اینکه بالاخره بعد از پنجسال سکوت مصرانه شیخ عباس موسوی رهبر حزب الله لبنان آمادگی ضمنی خود را در رابطه با آزادی اسرا اعلام نمودهرچند ازسخنان وی بدرستی نمیتوان به تعداد دقیق اسرای تحت نظر آنان و یا سرنوشتشان که آیا زنده و یا شهید میباشند پی برد. ولیکن ایراد این سخنان از جانب یك شخصیت مؤثر سازمان میتواند نقطه عطفی در پی بردن به سرنوشت عزیزان گرفتار دربند عقب گرایان متعصب باشد.

تا حدود سه هفته پیش نیز نه حزب الله ایران و یا لبنان حاضر به دادن اطلاعی در مورد آن اسرا نبودند و به پافشاری اورشلیم چه از طریق مستقیم و یا بالعکس در مورد آغاز مذاکرات بمنظور آزادی اسرا ترتیب اثر نمیدادند. در این مدت فشار کشورهای امریکا، انگلیس و آلمان بر اسرائیل بوده که مصرانه از وی خواسته اند تا بدون توجه به عاقبت اسرای خود با آزاد سازی ( شیخ عبید) و سایر زندانیهای شیعه یا فلسطینی در پی آزادی ۱۲ تن گروگانهای خود برآیند که البته با مخالفت سخت آنکشور مواجه گردیده اند. بنظر میآید آنچه را که متعصبین تندرو شیعه ایران و لبنان را بر آن داشت تا اقدام به اتخاذ روشی مسالمت جویانه نمایند احتیاج شدید رژیم تهران به همیاری کشورهای غربی در ترمیم اقتصادی و نظامی آنشکور بوده است .

باید درنظر داشت که تا بروز جنگ خلیج بین جناحهای میانه رو رفسنجانی و تندروان خط خمینی که خواستار منع رابطه با شیطانهای بزرگ و کوچك بوده اند همواره اختلافات شدیدی موجود بوده که در نتیجه پیروزی چشمگیر امریکا و همراهانش در قضیه خلیج فارس و هراسی که دامن مخالفین رفسنجانی را از بابت دخالت احتمالی نظامی امریکا و یارانش در ایران که پی آمدهای تنگ آوری همچون عراق را در پی خواهد داشت را گرفت باعث گردید که سیاست رفسنجانی و طرفدارانش که تجدید رابطه با غرب را بمنظور اصلاح اقتصادی و نظامی کشور و دریافت دلارهای بسته شده توسط امریکا را توصیه مینمود مورد قبول اکثریت قرار گیرد تا به این حد که محتشمی با بکار بردن نفوذ خود در حزب الله لبنان قادر به آزادی یك گروگان امریکائی گردید و در داخل آن حزب باعث دگرگونیهای رهبری جدیدی مانند انتصاب شیخ عباس موسوی که طرفدار خط رفسنجانی و تحت حمایت رهبران شیعیان لبنان شیخ فضل الله بوده بجای شیخ صبحی تفیلی گردد.

در این میان رفسنجانی تنها بازیگر میانه رو این مسئله نبوده و حافظ اسد نیز سعی دارد با فشار به حزب الله لبنان در آزاد سازی گروگانهای خارجی نقش مؤثری را بمنظور پاکسازی نام ننگین خود در بین محافل امریکائی و اروپائی که همواره با برچسب حامی تروریسم همراه بوده ایفاء نماید.

پیشنهاد اورشلیم به تروریستهای حزب الله آن بوده که در مقابل اخذ اطلاعات صحیح و موثق در مورد ۷ تن سرباز گمشده خود از آنان و در صورت رها گردیدن آنان از چنگال آدم ربایان ، اسرائیل حاضر به رهاسازی ۱۲۰ تن اسرای ( شیعه و لبنانی) و در رأس آنان شیخ عبید میباشد.

رفسنجانی و اسد بخوبی میدانند که اورشلیم بهیچ عنوان راضی به آزاد نمودن اسرای شیعه و فلسطینی در ازاء گروگانهای امریکائی و اروپائی قبل از اینکه تکلیف اسرای خود را روشن نموده باشد نخواهد بود. خواست اسرائیل از حزب الله لبنان که باور دارد آنان از سرنوشت ۲ تن سرباز واحد " گیوعاتی" بنامهای(یوسف پنیك و رحیم الشیخ) که در فوریه ۸۶ در تقاطع ( بیت یاهون) بدست افراد آن سازمان گرفتار آمده اند آگاهی دارند و همچنین پاسداران انقلاب اسلامی ایران که احتمالاً خلبان فانتومی را که هواپیمایش در آسمان لبنان در اکتبر ۸۶ مورد هدف قرار گرفت در دست خود داشته و وی را در زندانی واقع در ایران یا سوریه نگهداری میکنند آنست که از آنان اطلاعات موثقی بدست آورده و در مقابل اجازه بازدید از آنان آنکشور نیز اجازه بازدید خانواده های اسرای موجود در اسرائیل را به خانواده هایش داده و در صورت آزادی اسرای خود علاوه بر آزادی شیخ عبید و ۱۲۰ تن دیگر از مقامات ارتش حزب لبنان نیز بخواهد که ۲۵۰ تن اسرای در دست خود را نیز به نفع این مسئله رها سازند.

با اینکه برهمه جهانیان ثابت گردیده که اسرائیل بهیچ عنوان تن به خواسته های تروریستها نداده و حتی اگر شده با اجرای عملیاتی همچون " انتبه و سابنا" گروگانهای خود را آزاد سازد ولیکن هنوز گروههای خرابکاران واقع در لبنان که از سوی ایران و سوریه پشتیبانی میشوند امیدوارند که بتوانند با برانگیزاندن افکار عمومی کشورهای غربی درگیر در این مسئله و فشار آنکشورها بر اسرائیل و همچنین درخواستهای پی در پی خانواده های اسیران اسرائیلی از دولت بمنظور تعیین سرنوشت قطعی عزیزانشان علاوه بر اسیران یاد شده بیش از ۴۰۰۰ اسیر فلسطینی را که به جرائم چاقوکشی، خرابکاری در مناطق مسکونی، سنگ پرانی و ایجاد اخلال نظم در بازداشتگاههای اسرائیلی بسر میبرند آزاد سازند که تاکنون اورشلیم با این درخواست مخالفت ورزیده است.

سازمانهای امنیتی کشور بخوبی میدانند که هنوز راه درازی در حل و فصل تعویض اسراء درپیش است .

زمانیکه بالاخره مذاکرات مزبور شروع گردد و کشورهای ذینفع دست به معامله رسمی بزنند این کشور یهود است که بایستی باحوصله ای فراوان و اعصابی آهنین خود را آماده نماید. در شروع این اقدامات انتظار میرود که از طریق دیپلماتیك نمایندگان کشورهای امریکا، انگلیس و آلمان و سوریه مسئولیت پیام رسانی بین بیروت، تهران و اورشلیم را بعهده بگیرند و همچنین از دخالت مستقیم لبنانیان صلاحیت دار و رسانه های خبری داخلی وخارجی که وظیفه پیغام رسانی به طرفین قضیه را به پخش خبرهای راست و گاهی دروغ دست میزنند استفاده خواهد گردید در آخرین مرحله که مذاکرات به نقطه انجامی خود میرسد سازمان صلیب سرخ جهانی وارد عمل میگردد. ازهم اکنون این سازمان مشغول جمع آوری اسامی افرادی است که کشورهای ذینفع خواستار تعویض آنان گردیده اند. تجربه ای که در گذشته دولت اورشلیم از تبادل اسراء آموخته این است که به هیچ کس و هیچ گروهی صرفاً بر مبنای قول و قرارهای زیرمیزی اطمینان ننموده و میبایست تمام ورقها بصورت آشکار و در معرض عمومی به بازی گرفته شوند

بقیه در صفحه ۱۲

# کهن‌سالی

## نیازهای غذایی سالمندان

از وقتی که برای دنیای علم محرز شد رژیم غذایی سرچشمهٔ آن چشمهٔ افسانه‌ای جوانی است، و با نگه‌داشتن اندازه و توازن در تغذیه می‌توان تا اندازهٔ قابل اعتنایی بر نارسایی‌ها و مشکلات جسمی چیره شد و یا از آن کاست، رژیم غذایی دو گروه از انسان‌ها در کانون پژوهش‌های علمی قرار گرفت. یکی از این دو گروه کودکان بودند، و دیگری سال‌خوردگان.

نوشتهٔ حاضر فشرده‌ای است از آن چه به عنوان تغذیهٔ سالخوردگان در دانشکده‌ها و مراکز علمی عالم تدریس می‌شود.

**غذای سالمندان باید کم و در دفعات بیش‌تر، کم چربی، و دارای ویتامین و کلسیم کافی باشد**

موضوع سالمندی عملاً بستگی به فرد دارد و مراحل سالمندی یا پیری در افراد مختلف، متفاوت است. از همین رو مشکل بتوان حد و مرز قطعی و مشخصی — با ذکر تاریخ — به عنوان مرز بین جوانی و میان‌سالی، و یا میان‌سالی و پیری تعیین کرد. با این همه، فرض می‌کنیم که بعد از ۷۰ سالگی مرحلهٔ پیری به حساب آید.

وضعیت غذایی سالمندان که در خانه نزد خویشان خود زندگی می‌کنند با کسانی که در خانه‌های سالمندان به سر می‌برند، تا اندازه‌ای متفاوت است. در خانه‌های سالمندان در مقایسه با اماکن دیگر زندگی جمعی، مانند سربازخانه‌ها و مدارس شبانه روزی، افرادی زندگی می‌کنند که میزان اختلالات گوارشی در آن‌ها بیش از افراد دیگر است. اطلاعات مربوط به نیازهای غذایی سالمندان اغلب بسیار دقیق نیست، اما روز به روز بیش‌تر و کامل‌تر می‌شود. از سوی دیگر، خانه‌های سالمندان معمولاً بودجهٔ محدودی در اختیار دارند و نمی‌توانند غذاهای متنوع و در بسیاری موارد نوبرانهٔ مخصوص پیران را فراهم آورند. البته مسائل روانی نیز نقش دارند. سازگار شدن با زندگی جمعی در خانه‌های سالمندان پس از سن معینی دشوارتر می‌شود. گذشت زمان همه را هر روز بیش‌تر از گذشته به عادت‌ها، به ویژه به عادت‌ها و سلیقه‌های غذایی‌مان وابسته می‌کند. در زندگی جمعی این سلیقه‌ها معمولاً ارضا نمی‌شوند. و از طرف دیگر سالمندانی که خود به تنهایی زندگی می‌کنند، وقتی از نظر مالی و نیروی جسمی در تنگنا باشند، آماده کردن غذا هم برای آن‌ها پرزحمت می‌شود، در نتیجه به تهیهٔ غذاهای ساده و محدود روی می‌آورند. به این ترتیب، بسیاری از سالمندان مقیم خانه‌های سالمندان کم و بیش علائم سوء تغذیه از خود نشان می‌دهند و این علائم به ویژه در روزهای نخست ورود به این خانه ظاهر می‌شود و مدتی طول می‌کشد تا به غذاهای عادی عادت کنند.

اما صرف‌نظر از این که سالمندان در خانه‌های خود و یا بستگان خود زندگی می کنند و یا در خانه‌های سالمندان مقیم هستند، از نظر رژیم غذایی باید به نکاتی توجه کنند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

با افزایش سن، کارآیی فرآیندهای گوارشی کم می‌شود. از میزان ترشحات مختلف گوارشی کاسته می‌شود. غشای مخاطی دستگاه گوارش کمی تحلیل می‌رود، و از فعالیت روده‌ای کاسته می‌شود. مجموع این عوامل باعث می‌شود که جذب مواد غذایی و مادّه‌سازی در سالمندان کم‌تر از جوانان صورت پذیرد. به همین دلیل است که باید غذای سالمندان به نحوی باشد که به آسانی هضم شود، و حجم آن نیز کافی باشد تا یبوست پیش نیاید. از سوی دیگر، دندان‌های سالمندان به ندرت سالم است؛ کم و فرسوده‌شدن دندان‌ها، و یا داشتن دندان‌های مصنوعی نامناسب و ناراحت، می‌تواند مانع از جویدن کامل غذا شود. این اشکال خود ممکن است موجب استفادهٔ دائمی از غذاهای نرم شود که از نظر غذایی معمولاً کم ارزش‌اند، و از طرفی در اثر کم شدن حجم مدفوع، یبوست آورد. وضعیت دیگری نیز می‌تواند پدید آید، و این برای افرادی که با سالمندان سروکار دارند آشناست. یکی بی اشتهایی طولانی و دیگری میل بیش از اندازه به غذا، که هر دو حالت در آن‌ها نامطلوب است و باید کنترل شود.



**یک رژیم غذایی نمونه برای ۲۴ ساعت**

| | |
|---|---|
| شیر | ٤٪ لیتر ( ٤٠٠ سی‌سی) |
| پنیر | ۳۰ گرم |
| گوشت | ۱۲۰ گرم |
| نان | ۱۵۰ گرم |
| برنج یا سیب‌زمینی | ۳۰۰ گرم |
| سبزی | ۳۰۰ گرم |
| میوه | ۲۵۰ |
| کره | ۱۵ گرم |
| روغن | ۲۰ گرم |
| قند یا شکر | ۲۵ گرم |
| مربا | ۲۵ گرم |
| میزان کالری دریافتی | ۱۹۵۰ |

### وعده‌های غذا

در برنامهٔ غذایی پیران غذای کم و در دفعات بیش‌تر متناسب‌تر است. حجم زیاد غذا به دستگاه گوارش فشار می‌آورد. از سوی دیگر خالی ماندن معده برای آن‌ها خوش عاقبت نیست. چاشت سبک بین صبحانه و ناهار عصرانه‌ای بین ناهار و شام می‌تواند مفید و دل‌پذیر باشد. افرادی که دیر به خواب می‌روند و شب بیدار می‌مانند، نباید شام را خیلی زود بخورند، زیرا شب‌ها احساس گرسنگی می‌کنند. سالمندان نیز مانند کودکان برای صرف غذا به وقت بیش‌تری نیاز دارند، بنابراین باید به آن‌ها مجال داد تا غذا را به آهستگی صرف کنند.

### میزان کالری

نیاز بدن از نظر میزان کالری (یعنی مقدار گرمایی که در اثر سوختن مواد غذایی در بدن تولید می‌شود) باافزایش سن کاهش می‌یابد. به خصوص که سالمندان معمولاً تحرک کم‌تری دارند. بهترین راه، فراهم آوردن امکان نوع متناسبی تحرک بدنی است که هم از نظر سلامت جسم و هم از نظر روانی مفید باشد. در ساختمان‌هایی که از نظر تأمین گرما مشکلی ندارند، مقدار کمی‌از کالری دریافتی صرف تأمین حرارت بدن می‌شود، بنابراین دریافت ۱۸۰۰ تا ۲۰۰۰ کالری در شبانه‌روز برای سالمندان کافی به نظر می رسد. موضوع پر اهمیت دیگر کنترل وزن سالمندان است. اگرچه این افراد باید مراقب باشند که غذای‌شان به اندازه‌ای باشد که لاغر نشوند، ولی از اضافه وزن نیز باید جلوگیری کنند. کالری دریافتی باید بین وعده‌های غذایی به‌طور متناسب تقسیم شود.

### پروتئین

حدود ۱۲ درصد از مجموع کالری دریافتی بدن باید توسط پروتئین‌ها تأمین شود و بین مقدار پروتئین‌های گیاهی و حیوانی نیز تعادلی برقرار باشد. در هر حال میزان پروتئین حیوانی باید برابر و یا بیش‌تر از پروتئین گیاهی باشد.

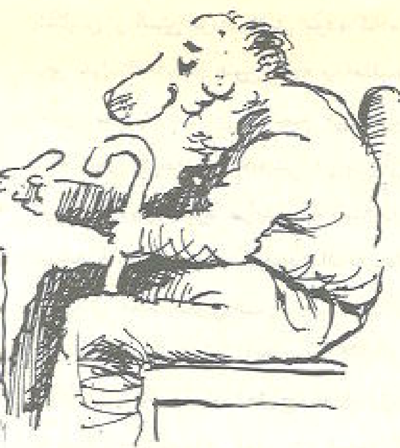
شیر و فرآورده‌های آن ارزش غذایی بسیار دارند، به ویژه شیر خالص که از نظر کلسیم نیز بسیار غنی است و نیاز سالمندان به آن بیش از جوانان است.

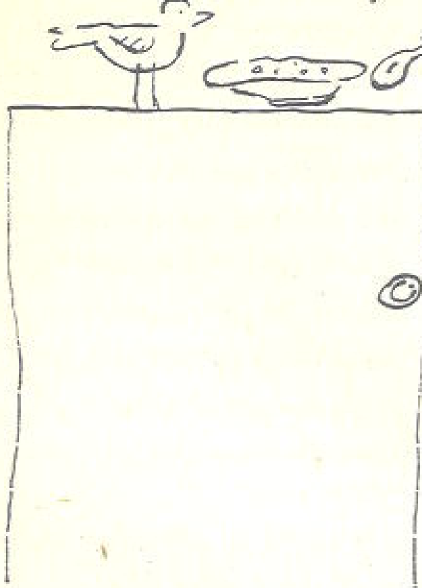
### چربی

در سال‌های بالای عمر بهتر است که میزان کلّ چربی، و به ویژه چربی‌های حیوانی، را در رژیم‌های غذایی کاهش داد. غذاهای چرب می‌توانند باعث سخت شدن دیوارهٔ سرخ‌رگ‌ها شوند، که یکی از علل نارسایی‌های قلب و عروق است. بنابراین، مصرف چربی گوشت گوسفند و گاو، مایونز و سس‌های مشابه مضرند و استفاده از روغن زیتون توصیه می‌شود. کره را به مقدار کم، یعنی حدود ده تا پانزده گرم، می‌توان مصرف کرد، زیرا کره دارای ویتامین آ ( A ) است. شیر مصرفی نیز باید بدون چربی و یا کم چربی باشد.

### مواد نشاسته‌ای

غذاهایی که مواد نشاسته‌ای دارند، بیش از نیمی از کالری مورد نیاز بدن را تأمین می‌کنند. برنج، نان، سیب‌زمینی، سبزی، شکر،





شیرینی، و مواد غذایی شیرین در این گروه جای می‌گیرند. مصرف سبزی بسیار مفید است، زیرا علاوه بر فواید بسیار، باعث افزایش حجم غذا می‌شود.

### مواد معدنی

کلسیم: جذب کلسیم در سالمندان اغلب کم است و موارد پوک شدن استخوان، به ویژه در افراد بالای ۸۰ سال، مشاهده شده است. بنابراین حتماً باید مقدار زیادی کلسیم (حدود ۶۰۰ تا ۸۰۰ میلی‌گرم در شبانه‌روز) به بدن برسد. همان‌طور، شیر، که از منابع غنی کلسیم است، باید حتماً در برنامهٔ غذایی سالمندان گنجانیده شود. ویتامین د نیز، که سوخت و ساز کلسیم و فسفر را تنظیم می‌کند، از لازم‌ترین مواد غذایی برای پیران است.

آهن: موارد کم خونی ناشی از آهن نیز در سالمندان شایع است. بنابراین غذاهای آهن‌دار مانند گوشت، زردهٔ تخم‌مرغ، و سبزی باید در برنامهٔ غذایی گنجانیده شود.

### ویتامین‌ها

میوه و سبزی مقادیر زیادی ویتامین ث دارند و باید به‌طور مرتب خورده شوند اگرچه ممکن است اشکالات مربوط به جویدن وجود داشته باشد، که در این صورت باید میوهٔ مناسب را انتخاب کرد، یا آن را به نحوی که برای سالمندان قابل خوردن باشد خرد کرد. این ویتامین در بالابردن قدرت بدن در مبارزه با عفونت‌ها نقش مهمی دارد. ازنظر ویتامین‌های گروه ب نیز باید اطمینان یافت که این ویتامین‌ها به بدن می‌رسند. شیر، تخم‌مرغ، ماهی، جگر، و جوانهٔ گندم از این ویتامین‌ها سرشارند.

از آنجا که کارآیی مادّه سازی در بدن سالمندان کم‌تر از جوانان است، در پاره‌ای موارد استفاده از شربت‌ها یا قرص‌های چند ویتامینه (مولتی ویتامین) توصیه می‌شود.

### مایعات

آب و آشامیدنی‌های دیگر مانند چای، سوپ، و... باید به مقدار کافی (حداقل یک لیتر در روز) مصرف شوند. کسانی که مبتلا به تکرّر ادرار هستند، باید مقدار مایعات مصرفی را در طول روز تقسیم کنند و به دفعات بنوشند، و با غذای شب آب کمی بیاشامند تا در طول شب ناچار نشوند چند بار رخت‌خواب خود را ترک کنند. از خوردن چای پررنگ و قهوهٔ غلیظ بهتر است خودداری شود.

---

# تسلیت و همدردی

در ماه جون، دوست عزیز و رهبر خلاق گروه مگبیت، پرویزنظریان، مادر گرامی خود را از دست داد.

پرویز نظریان، که تلاشهای شبانه روزی و رهبری و مدیریت اصولی وی با یك گروه كوچك در مدتی كوتاه دست به معجزه زده، با خلاقیت و روشن بینی باورهای آدمهای كوچك را درهم ریخت و با پیدا نمودن آدمهائی دانشمند به امور اجتماعی و ترغیب آنان یك شبه راه چند ساله پیمود.

همسر نازنین ایشان نیز با بزرگواری و حسن نیت پابپای او همچنان كه شایسته بزرگانی چون اینان است در این راه با وی همراه بوده و خود از فعالین و برپاكنندگان ... هاداشتگان انجمن دوستداران بیمارستان "هداسا"ست.

مادر فداكار و از خودگذشته پرویز نظریان، با از دست دادن شوهر، با ایثار كامل یك مادر،انسانهایی به جامعه بشری اهداء نمود و در تربیت كسانی كوشید كه اكنون دین خود را به عوض مادر به دنیای او یعنی دنیای عشق و ایثار ادا میكنند.

بجاست كه بگوئیم: هرگز نمیرد آنكه دلش زنده شد به عشق، زیرا كه از دل این زن عشق زائیده شد.

روانش شاد باد.

بنیاد بین المللی یهود (سیامك)

# خوب پیرشدن را بیاموزیم

کهن‌سالی یا پیری، پدیده‌ای است عمومی و زیستی، که در تمام سطوح و زوایای وحدت ارگانیسم اثر می‌گذارد و تظاهراتی را به وجود می‌آورد. این عوارض در حد مولکول و سلول و بافت و اندام و اعمال آن‌ها و در کل ارگانیسم و شخصیت، و چه بسا در گردهٔ مردم است.

کهن‌سالی، مانند دوره‌های دیگر زندگی، دارای روان‌شناختی مخصوص خود است، که از یکسو مربوط به حالت فیزیولوژیکی این دوران از عمر و از سوی دیگر مربوط به ارتباطات و قدرت سازش اجتماعی فرد کهن‌سال با اجتماع است. به بیان دیگر، کهن‌سالی، «موقعیت وجودی» انسان در آخرین مرحله از زندگی اوست.

می‌توان پیری را در دو دوره مطالعه کرد: دورهٔ قبل از پیری، که بین چهل وپنج تا شصت و پنج سالگی است، و دورهٔ پیری واقعی، که از شصت و پنج سالگی به بعد است. احتیاج به گفتن ندارد که این تقسیم‌بندی سنی تا چه حد قراردادی است و حدود آن در افراد کاملاً متفاوت است، و فقط برای سهولت مطالعهٔ کهن‌سالی است.

دوران قبل از پیری – به طور کلی روان‌شناختی کهن‌سالی دو جنبه دارد: یک جنبهٔ عقلی که مربوط می‌شود به ضعف و زوال اعمال هوشی و استعدادها و عواطف. جنبهٔ دیگر واکنشی است که مربوط می‌شود به واکنش فرد در مقابل مجموعه موقعیت‌های حیاتی که ناشی از پیری است، یعنی موقعیت‌هایی که لاجرم کهن‌سالی ایجاد می‌کند.

۱ – جنبهٔ عقلی: می‌دانیم که ضعف قوای عقلانی و استعدادهای افراد خیلی زود و از سنین قبل از پیری شروع می‌شود. درحقیقت بهترین و بالاترین مهارت‌های انسانی در کلیهٔ استعدادها، اعم از حافظهٔ به خاطرآوردن مطالب و حافظهٔ موقعیت‌های مکانی و فهم و درک مسائل تکنیکی و زمان واکنش شنوایی و بینایی و نیروی جسمانی و خستگی‌پذیری عضلانی و مهارت دست‌ها و ذخیره‌کاری و غیره، در حوالی ۳۰ سالگی است. (۳۰ سالگی همان سن افول و بازنشستگی قهرمانی است که برای ورزش‌کاران شناخته شده است). از سن ۲۰ سالگی به بعد منحنی زوال تدریجی نیروهای جسمانی و روانی شروع می‌شود، که همان افول فیزیولوژیکی است. ولی در دوران قبل از پیری است که این منحنی سیر نزولی واضح و آشکاری دارد و ضعف‌های فیزیولوژیکی آشکاری به چشم می‌خورد. اضافه کنیم که مهارت‌ها خیلی دیرتر ضعیف می‌شوند، به خصوص نزد اشخاص خوب رشد یافته و با مهارت‌های تخصصی. همچنین این نزول در مورد مهارت‌های مختلف در سنین متفاوتی پیش می‌آید. اکنون چند مورد از این کمبود و ضعف‌ها را می‌بینیم:

در مورد حافظه، ابتدا حافظهٔ ضبط وقایع و به‌یادآوری وقایع نزدیک ضعیف می‌شود، اسامی افراد تازه آشنا فراموش می‌شود، اتفاقات تازه از خاطر می‌رود. همچنین دقت کم می‌شود، تخیل ضعیف می‌شود، و فرد زود خسته می‌شود. قدرت کار کم و بیش نقصان پیدا می‌کند. مجموع این کمبودها در ظاهرشخص به صورت نقصان کنج کاوی نزد افراد انتلکتوئل، و کم شدن تحرک و دینامیسم و اراده، و نهایتاً یک نوع غمگینی و احتمالاً گاهی افسردگی واضح و گاهی عصبانیت و بی‌صبری و کم‌تحملی آشکار می‌شود.

اعمال حسی و احساسی و حرکتی نیز مانند سایر اعمال جسمانی روبه زوال و دستخوش تغییرات است، به عنوان مثال بارز کم‌شدن قدرت تطابق چشم، که از چهل و هشت سالگی به بعد مشکل دید نزدیک پیدا می‌شود، قدرت شنوایی در حوالی چهل سالگی کم می‌شود و پیری گوش شروع می‌شود. از چهل و پنج سالگی به بعد شنوایی قدرت و ظرافت خود را از دست می‌دهد.

واکنش‌های حرکتی روانی نسبت به محرکات مختلف، قدرت سازش در جهات



مختلف، و بخصوص کار و فعالیت، و خستگی پذیری عضلات به‌طور واضح از چهل‌وپنج سالگی به بعد تغییر می‌کند. در این سنین ظاهر و وضع عمومی فرد هم نشان‌هایی از پیری دارد. هیکل روبه چاقی می‌رود، فربهی در شکم و پهلو بیش‌تر است. پوست لطافت و پرآبی خود را از دست می‌دهد و چین و چروک در صورت و گردن آشکار می‌شود، وریدها برجسته و موها سفید و کم‌پشت می‌شوند.

عوارض ذکر شده تغییرات تدریجی و گاهی ناگهانی در «ارتباطات اجتماعی» فردی که در حال پیر شدن است به وجود می‌آورد ؛ در محیط کار اشکال در حفظ و نگهداری کار (بعلت کم شدن سازش) و اشکال در وضع ظاهری و غیره، یا اشکال در جستجوی کار جدید ؛ در محیط خانواده و اجتماع در برخورد با نسل جدید و کودکان که مانند او فکر نمی‌کنند و یا به عقاید او احترام نمی‌گذارند و یا اورا تحویل نمی‌گیرند. به علاوه ارتباطات جنسی هم به معنای وسیع به علت ضعف جسمانی و عدم جاذبهٔ ظاهری دچار تغییرات چشم‌گیر شده است.

۲ – واکنش فرد نسبت به موقعیت‌های حیاتی ناشی از پیری: عوامل منفی که ناشی از شروع پیری در انسان است و شرح آن گذشت، چه در مرد و چه در زن، واکنش‌هایی ایجاد می‌کند که چگونگی این واکنش‌ها بستگی کامل به‌خصوصیات اخلاقی وروانی فرددارد ؛ نحوهٔ تربیت او درگذشته، به نحوهٔ زندگی او در خانواده و در اجتماع، به برداشت قبلی او از پیری و نحوهٔ برخورد با دوران پیری، به آماده شدن فرد برای دوران کهن‌سالی و غیره. چه بسا که با استفاده از جنبه‌های مثبت روان‌شناختی دوران کهن‌سالی، از انرژی و نیروهای خلاقه به بهترین وجه استفاده کرده باز هم بتوان به قول Ajuriaguessa «همان‌طور پیر می‌شویم که زندگی کرده‌ایم». سازش با دوران پیری مسئله‌ای است بسیار ظریف و حساس، که ارتباط و بستگی کاملی با شخصیت قبلی فرد دارد. باید «خوب پیر شدن» را خوب یادگرفت، که یکی از هدفهای اساسی بهداشت روانی دوران پیری است.

فردی که بحران سنین میان‌سالی را پشت‌سر گذاشته و پا به دوران پیری می‌گذارد، پیر شدن را قبول کرده و بدون نگرانی کار و فعالیت دوران جوانی و میان‌سالی را ترک می‌کند و تلخی آن را با بصیرت و دانایی گوارا می‌کند، ولی همچنان فعال مانده، فعالیت و کارآیی خود را در جهت دل‌خواه آغاز می‌کند، و نیروهای کارآزموده و تجربیات سال‌های گذشتهٔ خود را در این جهت به کار می‌گیرد، پیرشدن را خوب یاد گرفته است، و چنین کهن‌سالی الگوی مناسبی برای میان‌سالانی است که در آستانهٔ ورود به دوران پیری هستند. سازش با نحوهٔ دوران جدید زندگی با در نظر داشتن قدرت‌ها و نارسایی‌های ارگانیسم و توانایی‌های روانی و ایستاها و رفتارهای اطرافیان از شرائط

بقیه در صفحه ۱۲

# از خادمین شیراز



وقتی به کلمه شیراز برخورد میکنم شهری پراز گل و بلبل، عشق و صفا با مردمانی بسیار مهربان ، مهمان نواز، فعال ، متدین و خوش ذوق و مبتکر درنظرم مجسم میشود.

علت انتخاب این شهر و این مردمان فعال و خدمتگذار و خوب برای رپرتاژ امروز وجود افراد شیرازی بسیار فعال در این سازمان و همچنین سابقه درخشان و فعالیتهای اجتماعی یهودیان شیرازی میباشد. مثلاً مؤسسین همین سازمان سیامک اکثراً شیرازیها بوده و افراد فعالی از آنها هنوز پس از ۱۵ سال تاسیس سازمان مشغول خدمت به اجتماع هستند. بطوریکه وقتی سازمان سیامک جشن ـ گردهمآیی ـ یوم کیپور و یا هرگونه دعوتی از اجتماع بنماید مورد استقبال اکثر شیرازیها واقع میشود.

خانواده های عزیز شیرازی ( چون دیگر شهرستانها) و محبت آنها نسبت به سازمان سیامک بیش از حد و انتظار ما بوده و اکثریت شیرازیها خودشان را وابسته به سازمان سیامک میدانند و ما را بیش از اندازه تایید و تشویق میکنند.

و برای اینکه قطره ای از محبت های بی کران آنها را پاسخگو باشیم بر آن شدیم که تاریخچه مختصری از یهودیان شیراز را بازگو و همچنین اقدام به معرفی خدمتگذاران این جامعه بنمائیم. ( که البته درحد اطلاعات و تحقیقاتی است که از شیرازیهای مقیم لوس آنجلس شده است ).

قبل از انقلاب جمعیت یهودیان شیراز حدود ۱۲۰۰۰ نفر بوده که پس از انقلاب بتدریج از شیراز به تهران و یا خارج از کشور کوچ کرده اند.

برای اینکه اطلاعاتی در این مورد به اطلاع خوانندگان عزیز برسانیم، چند روز قبل به اتفاق یکی از اعضای سازمان البته با اطلاع قبلی بمنزل یکی از خدمتگذاران باسابقه و قدیمی شیراز بنام آقای لاله زار کهن درویش که اکثر شیرازیها با این نام آشنائی دارند رفتیم. از کوچه ای که راهرو منزل بود وارد شدیم که در دوطرف آن سروهای بلند و زیبائی داشت و مرا بیاد شیراز و باغ و کوچه و خیابانهای آنجا کشاند که خودم را در شیراز احساس کردم بخصوص وقتی ایشان به اتفاق همسر خود جلو درب منزل به رسم و عادت مهمان نوازی شیرازیها از ما استقبال کرد. منزل بسیار زیبا و باسلیقه اصیل ایرانی تزئین شده بود. متأسفانه این مرد در اثر ناراحتی مقداری از بینائی خود را از دست داده است. و با وجود علاقه زیادی که هنوز هم به فعالیتهای اجتماعی دارند متأسفانه خانه نشین شده اند ولی این موضوع بهیچوجه در روحیه بسیار قوی و قوه بیان ایشان اثری نگذاشته و با استقبال از ما به سئوالهای ما جواب دادند.

ازایشان سئوال شد که از چه تاریخ و یا چه سالی وارد فعالیتهای اجتماعی شدید؟ جواب دادند که از سن ۱٤ سالگی که به کنیسای " ملا می شی" میرفتم مردم روی زمین که با نمد فرش شده بود مینشستند متوجه شدم که این در شان مردم نیست. پس از مدتی کوتاه در پی اعتراض به متصدیان با اقدام به نظافت محل کنیسا، فعالیت خودم را شروع کردم که حدود ۱٦ ساله بودم و این موضوع حدود ٦۵ سال قبل بود ، پس ازمدتی چون جماعت فعالیت مرا دیدند بمن اختیارات بیشتری دادند و کم کم مسئول کنیسا شدم و باجمع آوری اعانه تمام نمدها را جمع آوری نموده و کف زمین را سیمان کردم و مقداری نیمکت چوبی ساخته و آنجا را بشکل کنیسای آبرومندی درآوردم که در آنزمان نمونه بود و بهمین ترتیب فعالیتهای خود را تا چهل سالگی در همین کنیسا ادامه دادم و مورد تایید مردم بودم که در این موقع کنیسای آبرومندی شده بود.

تا اینکه به همت والای آقا خانی ربیع زاده کنیسای بزرگی که بیاد همسر متوفی خود در یکی از خیابانهای خوب شیراز برپا کرده بود، به من پیشنهاد مدیریت آنرا واگذار کردند. باعلاقه زیاد پیشنهاد آنها را قبول کردم چون دامنه فعالیت بیشتری داشتم، مسئول امورمالی و جمع آوری اعانه شدم و در مدت کمی کنیسا وضع مالی خوبی پیدا کرد که فرشهای بسیار زیبا برای کنیسا خریداری شد و این کنیسا یکی از آبرومندترین کنیساهای شیراز شد و هرسال بیلان وضع مالی را در روز کیپور به کنیسا میدادم.

از ایشان سئوال شد که شما انجمن یا تشکیلاتی داشتید؟

جوابدادند که انجمن کلیمیان شیراز که یکی از فعالترین انجمنهای ایران بود که با عضویت حدود ۱۵ نفر اداره میشد و توضیح دادند که ـ رئیس انجمن آقای عزیز کهنیم ـ منشی انجمن مسیو فریور و من خزانه دار بودم.

( جالب اینکه اسامی ۱۵ نفر را بدون کم و کاست برای ما توضیح دادند که باعث تعجب ما شد و به هوش و ذکاوت ایشان آفرین گفتم).

سئوال شد چه شد که ازایران و شیراز خارج شدید و به اینجا آمدید و چرا؟

ـ چون در تمام مدت عمرم فعالیت برای جامعه یهودی داشتم به جرم این عمل مورد تعقیب حکومت قرار گرفتم و مجبورشدم که از شیراز به تهران و از آنجا به اسرائیل و نتیجتاً به این گوشه دنیا جزء غربت نشینها باشم. و روزی که تصمیم گرفتم موجودی حساب انجمن طی چکی ببلغ هشتاد و سه هزار تومان به ربای کنیسای خودم دادم و بدون خداحافظی از شیراز خارج شدم.

سئوال شد که آیا هیچ فعالیت و کمکی به کشور آباء اجدادی خود داشتند؟

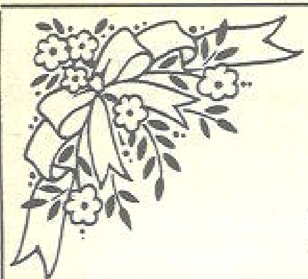
با لبخندی که هزاران معنی در آن وجود داشت با قدمهای آهسته بطرف کمدی رفت وکیف چرمی کوچك رنگ و رو رفته ای راکه معلوم بود چون جان دوست دارد با خود آورد و مقداری مدارك، رسیدها، تقدیرنامه ها که بامضاء اشخاص سرشناس و به زبانهای عبری و فارسی بود بما نشان داد و ما با دیدن اوراق در دل خود صد آفرین به این مرد فعال که عمری را صرف مردم نموده گفتیم. چون نوشته ها و صورتها خود گویای خدمات و کمکهای ارزنده او بود بهترین خاطره شیراز را از او سئوال کردیم. میگفت: یادم میآید موقعیکه خیلی جوان بودم قراربود که رضاشاه وارد شیراز شود ـ جامعه یهودی به تکاپو افتاد هدیه ای تقدیم کند. مبالغی زیاد جمع آوری شد و برای تقدیم هدیه به حضور شاه از طرف جامعه یهودیان یك سری سرویس طلای ناب تهیه و توسط یکی از افراد جامعه بحضور رضا شاه بردند. شاه با دیدن هدیه پس از تشکر هدیه را پس میدهد و میگوید جامعه یهودیان شما احتیاج به کمك دارند و شما این را صرف خدمات اجتماعی خودتان بکنید.

به ایشان گفته شد چه آرزوئی دارید؟ گفت از خدای خود متشکرم همه چیز دارم، من از لحاظ مادی کاملاً تامین هستم دارای ٦ فرزند پسر و ۲ دختر که تمام آنها بغیر از یك فرزندم که رشته پزشکی میخواند و هنوز ازدواج نکرده، ازدواج کرده اند و ثمره آنها ۱۱ نوه و دو نبیره میباشد. و در مورد پول و سرمایه میگفت که انگلیسی ها مثالی دارند که پول کم نوکر خوبی است و پول زیاد ارباب بدی است . یکی دو ساعت که آنجا بودیم با چهره خوشرو و خوش برخورد خانم کهن درویش که مرتب مشغول پذیرائی از ما بود برخورد داشتیم و موقع خداحافظی هر دو آنها تا درب منزل ما را بدرقه کردند ، در حالیکه در چهره آنها غرور و افتخار خدمات انجام داده شده را میدیدیم.

ما سعی میکنیم در شماره های آینده چشم انداز بسراغ افراد خیر و نیکوکار دیگری از شیراز و بقیه شهرستانها رفته و جامعه را ازخدمات آنها آگاه کنیم.

خوانندگان نیز میتوانند سرگذشت افراد فعال جامعه را که هم اکنون در لوس آنجلس هستند برای ما بفرستند تا به جامعه معرفی کنیم.

• • • • • •



لطفاً تعهدات کیپور
خود را
به دفتر سازمان ارسال دارید

# قصه بطی خانوم




روز یکشنبه صبح بود، بطیا خانم در رختخواب غلطید، چشمهایش را بازکرد و بعد ازیك صبح بخیر سریع رو به شوهرش نورالله خان کرد و گفت " نوری من دیگه از این وضع خسته شده ام، باید امروز تکلیف خودم را با اینها روشن کنم. بخدا اگر زیادی اذیتم کنندها!! واسشون پاسبون میبرم". نورالله خان بیچاره زیرلب گفت: "خدایا امروز را بخیر بگذران" و بعد روبه همسرش کرد و گفت " بطی جان دوباره شروع کردی؟ چرا نمیگذاری این بچه ها زندگیشون را بکنند؟ تا اینجا همه چیز به دلخواه تر بوده دیگه کافی است.

آمدند گفتند ما طلا و جواهر نمیخواهیم، با یك حلقه طلا نامزد میشویم قیامت بپا کردی و بعد هم به چشم و همچشمی خواهرها و دوستانت آن سینی جواهر را در شب نامزدی دست بدست چرخاندی تا بقول خودت چشم همه را کور کرده باشی.

گفتند ما عروسی مفصل نمیخواهیم، گریه و شیون راه انداختی که بعد از سه تا دختر این یك پسر را داریم، که مگه من چند تا پسر دارم، مگر بچهٔ من ! گداست و بعد هم آن عروسی جنجالی و گرانقیمت را ترتیب دادی و آنهمه پول را بهدر دادی.

هنوز مدتی از زندگی مشترکشان نگذشته بود که هر دوپا را در یك کفش کردی که بچهٔ من! باید حیاط داشته باشد. هرچه گفتم بابا اینها جوانند عجله نکن خانه هم میخرند به گوشت نرفت که:" من پسر دکتر نکرده ام که مستاجر باشد و بعد هم با آن افتضاح ازعروست از یکدونه عروست! نامه گرفتی که حقی به آن خانه نداشته باشد. دیگر از جان اینها چه میخواهی؟

بطیا خانم که ترپ نورالله خان را پُر دید بغض کرد و بسراغ اسلحه همیشگی رفت مگر تو آرزو نداری؟ مگر تو نمیخواهی بچه پای میلا ببری؟ مگر من ازکی کمتر هستم، منهم آرزو دارم شب برمیتصوا برم آن بالا و شمع روشن کنم و... و صدای گریه هرلحظه بیشتر اوج میگرفت.

نورالله خان که طاقت دیدن گریه بطیا را نداشت با سرعت لباس پوشید و از خانه خارج شد. بطیا که توقع این خونسردی و کم محلی را نداشت بطرف تلفن خیزبرداشت ، با عجله چند شماره را گرفت و بعد درحالیکه اشکهایش را با گوشه لباسش پاك میکرد منتظر جواب شد.

ـ الو با فرزانه خانم کار دارم. من مادر آقای دکتر هستم.

چند لحظه ای سکوت برقرار میشود و گویا فرزانه خانم پای تلفن میآید. بطیا خانم دوباره گریه را سرمیدهد:

ـ چه سلامی، چه علیکی خانم من از دست شماها خسته ام، ما بچه میخواهیم!! چرا بدخترتون نمیگین که ما بچه میخواهیم، این چه معنی داره که به آقای دکتر ما! گفته فعلاً باید درسمو تموم کنم؟ اصلاً خانم من عروس کامپیوتری نمیخواهم. کامپیوتر به چه درد میخوره؟ برین کلاهتون را بذارین بالاتر که خبر دخترتون را، خانم آقای دکتر را، برام از کتابخونه آورده اند.

اصلاً فرزانه میدونی چیه؟ این عروس بدرد من نمیخوره من یك عروس میخواهم که مثل خودم باشه. میرم یك پاسبون میبرم ببینم چرا واسه ما بچه نمیآره ؟ میرم طلاق دخترتو میدهم بفرستم بغل دست خودتون. در فاصله نفس تازه کردن بطی برای حملهٔ بعدی فرزانه خانم گفت:

ـ خانم شما اختیار دارید هرکاری دلتان میخواهد بکنید و گوشی را گذاشت.

• • • •

بطیا خانم مثل پلنگ تیرخورده میغرید. ظاهراً هیچکس گوش به حرفهایش نمیداد، روزانه حداقل تلفنی این حرفها را به چندین نفر میگفت و نتیجه ای نمیگرفت.

باعجله دستی بسروصورتش کشید، لباس کریستین دیوری را که تازه از پاریس خریده بود ازکمد بیرون کشید و پوشید انگشترهای گرانقیمتش را بدست کرد، کیف و کفش آخرین مدل وهمرنگی بیرون آورد و از خانه بیرون زد.

دوان دوان خود را به یکی از خیابانهای اصلی بورلی هیلز رساند. خودش هم نمیدانست چه میکند از دور یك ماشین پلیس گشت بورلی هیلز را دید، خود را به وسط خیابان رساند و با حرکات دست توجه راننده را جلب کرد. ماشین پلیس جلوی پای بطیا خانم توقف کرد. راننده که یك افسر سیاه پوست و درشت هیکل بود از ماشین خارج شد و پرسید چه کمکی میتواند بکند؟ بطیا خانم که خیلی هیجان زده بود و با وجود چندین سال زندگی در لوس آنجلس چند کلمه ای بیشتر انگلیسی نمیدانست گفت:" آفیسر مای سان بِی نی "!

افسر پلیس که بخیال خودش با یك مسئله جنائی یا حداقل بچه دزدی روبرو شده بود شروع به سؤال و جواب کرد که البته همگی بدون جواب ماندند. ولی بطیا خانم با اشاره سر و دست فهماند که میخواهد پلیس بهمراهش برود.

پلیس به حکم وظیفه بطیا را سوار کرد و بطیا خانم گفت " بِل اِز" و بلندبلند ادامه داد که:

ـ من از اول هم مخالف این دختره گیس بریده بودم اما مگر دکتر! گوش کرد!؟ صدبار گفتم مادر اینها وصلهٔ تن ما نیستند. گفت خانوادهٔ نجیب، فهمیده و درس خوانده ای هستند. گفتم دختر درس خوان بدرد زندگی نمیخورد. گفت مادر همسر آینده من باید تحصیلکرده و فهمیده باشد. آفیسر به این روز " الیاهو هانابی" پولدارترین دختر شهر را میخواستم واسش بگیرم زیربار نرفت، گفت یا این یا هیچکس، منهم موافقت کردم. حالا هم که یك بچه واسه ما نمیآره، آفیسر پس "بی نی" چه میشه.

آفیسر هیچکس نمیدونه که من چقدر خرج این پسر کردم، پسر بعداز سه تا دختر! تا دکترش کردم حالا تا حرف میزنم همه بمن تشر میزنند که بگذار برای خودشان زندگی کنند!

بطیا همچنان پشت سرهم با بغض حرف میزد و گریه میکرد و در ضمن راه را نشان میداد... تا بالاخره خانه ای را نشان داد و خواست آنجا توقف کنند.

افسر پلیس آژیر ماشین را بصدا درآورد و در جلو خانه کوچك، قدیمی ولی تروتمیزی توقف کرد. اهالی خانه که از شنیدن صدای آژیر پلیس در آن محلهٔ آرام و ساکت کنجکاو شده بودند به پشت پنجره آمدند و دیدند که : بطیا خانم از جلو و افسر پلیس بدنبال او بطرف خانه پیش میآیند.

مرد جوان که معلوم بود نگران شده است و خود را باخته در را باز کرد و پس از سلام پرسید مادر چه اتفاقی افتاده؟ این پلیس چه میخواهد؟ آیا حال پدرم خوبست و بطیا فریاد میزد که اگر خیال میکنی با بچه طرفی اشتباه میکنی من پاسبون آورده ام ببینم چرا برای ما بچه نمیآورید؟ حال من به جهنم این خواهرهای تو آرزو ندارند؟

دکترجوان که گویی تمام خون بدنش بصورتش ریخته شده بودبه مادر گفت:

ـ خواهش میکنم فریاد نزن. پیش همسایه ها زشت است و بعد افسر پلیس را به کناری کشید. اول خود و خانمش را معرفی کرد بعد بطور خیلی خلاصه تعریف کرد که مادرش جنون عشق و علاقه دارد و از شدت علاقه به او و خواهرانش مرتب برایشان دردسر میسازد و با محبت بی رویه اش مشکلاتی فراهم میآورد . به افسر پلیس اطمینان داد که هیچگونه جنایتی رخ نداده و او را تا دم ماشین بدرقه کرد و بعد به نزد بطیا آمد و گفت:

ـ من در اولین فرصت از این ایالت میروم شاید آنجا بدور از تو و دخالتهایت زندگی آرامی را بگذرانم و بعد با همسرش بداخل خانه رفتند.

• • • •

بطیا خانم سرگشته و ناامید پشت درباقیماند. حتی پاسبان هم نتوانسته بود به آرزوهای او جامهٔ عمل بپوشاند، و پسرش هم تهدید کرده بود که از این شهر خارج میشود و این یك مصیبت بود، پس او دیگر از چه و که در مجالس حرف بزند و باد در غبغب بیاندازد. اگر عروسش در این شهر نباشد از که گله کند و پشت سر چه کسی غیبت کند.

تصمیم گرفت به خانه برگردد. کفشهای آخرین مدل را کند و زیربغل گذاشت و پای پیاده بطرف خانه براه افتاد.

• • • •

## خوب پیرشدن را بیاموزیم



لازم این دوران است. کوشش لازم برای همکاری با نسل جدید باید صورت گیرد. طبیعی است که فرد کهن‌سال و مسن جای خود را در گروه‌های اجتماعی دارد، و باید به‌طور فعال در تمام گروه‌های سنی مشارکت داشته باشد، و از ارتباطات سنتی که سه نسل را بهم پیوند می‌دهد استفاده کند. میل جنسی، که هنوز خاموش نشده ولی کاهش یافته است، باید مورد قبول واقع شود و با مکانیسم تصعید و والایش در سیستم‌های با ارزش خاص این دوران استفاده سود. وانگهی ضعف تنش‌های جنسی، و به‌طور کلی کناره‌گیری از رقابت‌هایی که ناخودآگاهانه منشاء صابقهٔ جنسی دارند، چه‌بسا صداقت در قضاوت، صمیمیت در رفتار، سلامت نفس، و بالاخره ظرافت هوش و شعوری به ارمغان آورد.

اما این نحوهٔ «خوب پیر شدن» همیشه صورت نمی‌گیرد و مرد و زنی که پیر می‌شوند ممکن است رفتارهای واکنشی ناموفقی داشته باشند. از این واکنش‌های رایج فقط به شرح «افسردگی»، «درون گرایی»، «طرد پیری»، و «طغیان» خواهیم پرداخت.

**افسردگی:** شخص با دشواری و رنج، فتور و سستی خود را قبول می‌کند. تن به یک زندگی فعال نمی‌دهد. گاهی متأسف است که نتوانسته است به موقعیت‌های رؤیایی‌ای که در دوران جوانی داشته است دست یابد. افسردگی او آگاهی از این اشتباه دوران جوانی‌اش ممکن است شدت یابد. به علاوه نگرانی از بی‌ثباتی وضع مادی، ترس از مالیات‌های بر ثروت، وحشت از بیماری‌های دوران پیری، بی‌اعتمادی به مؤسسه‌های مخصوص کهن‌سالان و کمک‌های اجتماعی موجب اضطراب و تشویش او می‌شود که قابل توجیه است.

**درون گرایی:** در موارد دیگر که فرد قادر به ادامهٔ سرگرمی‌ها و معاشرت‌های سابق خود نیست، در خود فرورفته، ارتباطات خودْ را کم می‌کند، و در تنهایی و عزلت کم و بیش ناگوار هرگونه کمک و مساعدتی را طرد می‌کند.

**طرد پیری:** قبول نکردن شرائط تازه زندگی که ناشی از کهن‌سالی است ممکن است به صورت واکنش طرد پیری تظاهر کند. طرد پیری هم در زمینه‌های هوشی و شعوری و هم در نیروی جسمانی و جنسی صورت می‌گیرد. فرد حاضر نیست خود را از کار و مسئولیتی که قادر به ادامهٔ آن نیست کنار بکشد. پرکاری می‌کند و خود را گول می‌زند که می‌تواند از عهدهٔ انجام کار برآید، و یا دنبال و در جستجوی لذاتی است که اختصاص به سنین گذشتهٔ او دارد.

**طغیان:** در این مورد، از این نقطه‌نظر که فرد نسبت به افراد کم‌سن و جوان‌تر از خود حسود است، دچار محرومیت می‌شود و نتیجهٔ آن واکنش‌های پرخاشگری نسبت به نسل جدید، بی‌طاقتی و کم‌صبری، خودکامگی، تندخویی، و انتقاد از نسل جوان است.

۱) Ajuriaguessa ، عصب‌شناس و روانپزشک سوئیسی

## قتل وآدم کشی در

### مراکش (قتل)

**اکتبر ۱۹۴۵**

مهدی باراکا درپاریس ربوده و بقتل رسید.

### الجزایر (قتل)

**۱۱ اپریل ۱۹۶۳**

محمد قمیش وزیر خارجه بقتل رسید.

**۳ ژانویه ۱۹۶۷**

محمد خِدر در تبعید در مادرید بقتل رسید.

**۲۵ اپریل ۱۹۶۸**

پرزیدنت بومدین دریک توطئه زخمی شد.

**۲۰ اکتبر ۱۹۷۰**

بلقاسم کریم یکی از مخالفان پرزیدنت بومدین در تبعید در فرانکفورت کشته شد.

### جمهوری یمن (قتل)

**فوریه ۱۹۴۸**

امام یحیی وسه تن ازپسرانش ومشاور اصلی آنها بقتل رسیدند.

**مارچ ۱۹۴۸**

عبدالله الوزیر گردن زده شد.

**۱۴ اپریل ۱۹۵۵**

عبدالله وعباس برادران حکمران امام بدار آویخته شدند.

**۲۷ مارچ ۱۹۶۱**

امام احمد دریک توطئه سوء قصد مجروح شد.

**اول اپریل ۱۹۶۵**

محمد محمود الصوبری رهبر سیاسی بقتل رسید.

**۱۳ اپریل ۱۹۶۶**

قادی عبداله الریانی در صنعا بقتل رسید.

**۲۵ ژانویه ۱۹۶۹**

کلنل عبدالراقب عبدالوهاب بقتل رسید.

**۲۵ جولای ۱۹۶۹**

امیر عبداله بن حسن یکی از اعضاء خاندان سلطنتی هنگام نماز در مسجد بقتل رسید.

**۹ اکتبر ۱۹۷۲**

اسماعیل بن احمد المرحادی مشاور ریاست جمهوری بقتل رسید.

**۳۰ مه ۱۹۷۳**

شیخ محمد علی عاتمن یکی دیگراز مشاوران رئیس جمهور بقتل رسید.

**۱۱ اکتبر ۱۹۷۷**

کلنل ابراهیم الحمید استاندار بقتل رسید.

**۲۴ جون ۱۹۷۸**

پرزیدنت احمد القاسمی با بمب توسط اعضاء حزب جمهوری دموکراتیک یمن.

### لیبی (قتل)

**۲۸ اپریل ۱۹۸۰**

عبداللافیت المنصور در تبعید در بیروت بقتل رسید.

**۹ مه ۱۹۸۰**

عمران المهدی دیپلمات لیبی دربُن بقتل رسید.

**۲۱ مه ۱۹۸۰**

ابوبحر عبدالرحمن در آتن در تبعید بقتل رسید.

### عمان (قتل)

**اول جون ۱۹۷۹**

فرماندار محلی داهفر بقتل رسید.

### «پی.ال.او.» (قتل)

**۴ ژانویه ۱۹۷۸**

سعد حمامی نماینده فلسطینی ها در لندن بقتل رسید.

**۱۵ جون ۱۹۷۸**

علی یوسین نماینده فلسطینی ها در کویت بقتل رسید.

**۳ اگست ۱۹۷۸**

علاء الدین کولاک نماینده «پی.ال.او.» درپاریس بقتل رسید.

**۱ اگست ۱۹۸۱**

نعیم شیداد نماینده «پی.ال.او.» در بروکسل بقتل رسید.

**۱ اگست ۱۹۸۱**

توطئه سوء قصد بجان رهبر «پی.ال.او.» «ابوریاد».

**۹ اکتبر ۱۹۸۱**

ناقد ابوشرار مسئول اطلاعات «پی.ال.او.» در رم بقتل رسید.

**جون ۱۹۸۲**

حسین کمال معاون نماینده «پی.ال.او.» در رم بقتل رسید.

**۱۰ اپریل ۱۹۸۳**

«حسام صارتاوی» رهبر گروه الفتح دریک گردهمائی سوسیالیست ها درپرتقال بقتل رسید.

---

### اسرای جنگی خاورمیانه

در هرحال آنچه که مهم است تعیین سرنوشت اسیران و ناپدیدشدگان و در نتیجه خانواده های آنان را از نگرانی و بلاتکلیفی رهانیدن میباشد. امیدواریم که لبنانیها و حزب اللهی ها و فلسطینیها نیز همچون اسرائیل با نشان دادن علاقه به سرنوشت اسرایشان این گره کور را بازکرده و با پذیرفتن اینکه کشور یهود و پایتخت آن اورشلیم یك واقعیت بوده و با سرسختی و سماجت کورکورانه نمیتوان به حل و فصل مسائل منطقه رسید راهی منطقی برای رسیدن به صلح منطقه یافت.

## «ضد بودن» یعنی علیه چیزی بودن

### ضد صیونیزم چیست؟

• **ضد صیونیزم**، ایدئولوژی ای است که در برابر **صیونیزم** وجود دارد.

• **صیونیسم**، جنبش استقلال ملی مردم یهود می باشد که برای تعمیم حق ملت یهود برای برگشت به سرزمین اجدادی خود و زندگی بصورت کشوری مستقل و یهودی، می کوشد.

• **ضد صیونیزم**، حق ملت یهود را برای دارا بودن یک زندگی آزاد و مستقل در سرزمین خود رد می کند. بنابراین ــ **ضد صیونیزم**، به حق بقای اسرائیل میتازد و هدفش نابودی اسرائیل می باشد.

• با حمله به حق ملت یهود برای برخورداری از یک سرزمین مستقل، **ضد صیونیزم**، از ملت یهودی، استثنائی در میان ملل دیگر می سازد که دارای سرزمین مستقلی نباشد. **ضد صیونیزم**، بنا براین، یک حالت ضد نژادی دارد.

• حذف نمودن اسرائیل یعنی کشتار چند میلیون یهودی. به عبارت دیگر نابودی تنها مکان امن دائمی برای یهودیان سراسر دنیا ــ بدین سان **ضد صیونیزم**، مقدمات یک قتل عام جدیدی را پایه ریزی می نماید.

• طبق نوشته «پال و یل کینسون» در کتاب «فاشیست های نو»: «یک عنصر مهم فاشیسم، بی ملیّت کردن یک اقلیت گروهی است تا بدینوسیله حس خودآگاهی ملّی را درآنها نابود نماید.» بنابراین ضد صیونیزم که این ایده را تعمیم می دهد دارای خصلت فاشیستی است.

آیا یهودی ضد صیونیست وجود دارد؟

• واضحاً، تمام یهودیان صیونیست نمی باشند. بطور مثال، بعضی از یهودیان افراطی فناتیک مذهبی، عقاید دینی بخصوصی در مورد کشور یهودی را دارا می باشند. انتقاد آنان براین پایه استوار است که یهودیان، پیش از آنکه ماشیح (مسیح موعود) ظهور کند کشور یهود را بر پانموده اند و یا از آغاز سرچشمه می گیرد که اسرائیل، طبق قوانین تورات اداره نمی شود (حکومت مذهبی). این نحوه تفکر افراطی مذهبی ممکن است ترجمان گونه ای از ضد صیونیزم بشمار آید ولی بانحوه تفکر آنانی که درپی نابودی ملت یهود هستند اختلاف فاحشی دارد.

سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا (سیامک)
تقدیم می کند

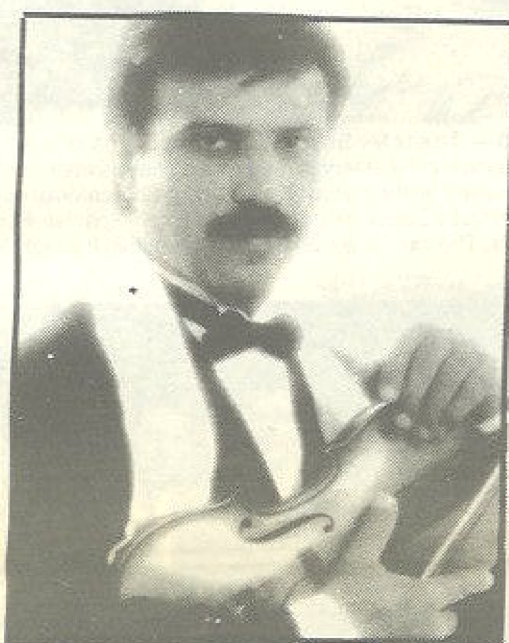
Youth Commitee will celebrate

# Summer of 91

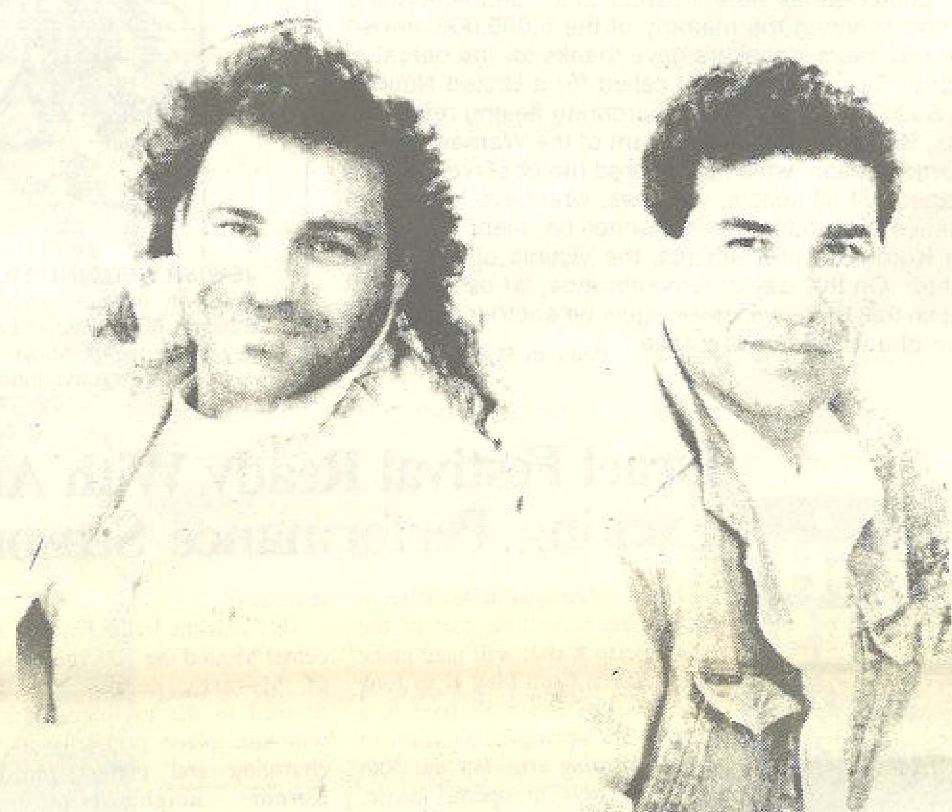
مخصوص جوانان یهودی

# Andy & Kouros

# Bijan Mortazavi



بیژن مرتضوی



اندی و کورس

*Age limit 18-35 years old*

*ADMISSION $25.00 (in advance) At the door (if available) $30.00*

**جشن نور و صدا در فضائی استثنائی**

**گرد همائی با شکوه جوانان سیامک تابستان ۱۹۹۱ را خاطره ساز میکند**

**با هنرمندی**

# اندی و کورس و بیژن مرتضوی

**پنج شنبه ۲۷ جون در سالن مجلل کنیسای ویلبر**

**تلفن اطلاعات و خرید بلیط:**

**دفتر سازمان ۱۲۷۰-۵۰۳ ۸۱۸**

**ژاک ۴۵۵۹ - ۴۷۵ ۲۱۳**

**ریموند ۹۱۳۷- ۲۸۶ ۲۱۳**

**اقای فولادی ۹۲۲۰ - ۷۴۷ ۲۱۳**

**نیلوفر ۱۳۷۷- ۸۵۱ ۲۱۳**

**خدمات مالی و بیمه اسحقیان**

**۳۶۶۶-۹۰۶ ۸۱۸**




NEW YORK -- Youngesters light Yahrzeit candles at the 48th anniversary of Warsaw Ghetto uprising. The children, whose parents or grandparents were Holocaust survivors, took part in the annual commemoration of the Jewish battle against their Nazi oppressors, which began on Passover eve, 1943. This year's observance, atatended by 4,000, took place at the Jacob K. Javits Convention Center here. in addition to commemorating the uprising and honoring the memory of the 6,000,000 Jewish victims of the Holocaust, speakers gave thanks for the defeat of Iraq in Operation Desert Storm and called for a United Nations effort to stop Saddam Hussein from murdering fleeing refugees. In his address, Benjamin Meed, president of the Warsaw Ghetto Resistance Organization, which sponsored the observance, told the assemblage: "Of all people, we Jews, who have known the cruelty of silence and indifference, cannot be silent about the agony of the Kurds and the Shi'ites, the victims of a contemporary slaughter. On this day of remembrance, let us speak out and let us act so that there will never again be another Holocaust of any people of any faith or any race." Photo by Rivka Pergament.



**JEWISH WEDDING TRADITIONS—**"This is My Beloved: Love and Marriage in the Jewish Tradition" is an art exhibit at the Pauline Hirsh Gallery in the Los Angeles Jewish Community Building, 6505 Wilshire Blvd., that focuses on the history, traditions and ceremonial objects of Jewish weddings. Above is an engraving by Bernard Picart of a wedding of Spanish-Portugese Jews in Amsterdam during the 1700s. The exhibit will be open to the public through Aug. 6.



# Israel Festival Ready With An Exciting Performance Season

Over 1,300 artists in 70 different performances will be part of the Israel Festival that will take place in Jerusalem from May 11 to June 1, 1991. The Israel Festival is a three week spring celebration of the performing arts. For the 30th year, the best in opera, music, theatre, dance, jazz and street theater from around the world gather in the city of Jerusalem. The Israel Festival has become the point of pilgrimage for top artists and entertainers from many nations.

This year the Israel Festival will center around the 200 anniversary of Mozart's death. Concerts devoted to the music of Mozart will take place primarily in the charming and picturesque Ein Karem neighborhood of Jerusalem, which will be specially lit and decorated for the occasion. The concerts will be presented in churches and monasteries, and in some cases under the canopy of a star-lit sky.

Joining the Israeli musical ensembles and the Israeli Symphony Orchestra will be such international performing groups as the Tolz Boys' Choir from Germany, Theatre de l'Unite from France, the Hilliard Ensemble from England, and the pianist Boris Berman from the U.S.

The Israel Festival will also include appearances of world renowned choirs and artists such as the Bach Choir from Heidelberg, the Borodin Quartet from the Soviet Union and the Bratislava Opera House from Czechoslovakia, performing Faust.

Jazz will play an important role in the Israel Festival, with many groups from around the world performing varied programs in converted industrial buildings in Jerusalem.

"For years the Israel Festival has been a focus of attention of culture lovers from around the world. It is an extraordinary combination of inspiring music and inspiring sites, coupled with the best weather Israel can offer-spring time," said Raphael Farber, Israel's consul and tourism commissioner for North America. "It is also a wonderful way for Israel to say, we are back - in full regalia. Come and visit."

For additional information regarding the Israel Festival, contact your local IGTO, or the Israel Festival at (fax): 972-2-669850.

# Jewish Leadership Training In The U.S.S.R.

Outstanding young Jewish men and women with leadership potential from thoughout the Soviet Union will immerse themselves in Jewish learning, living and culture next summer at a leadership training seminar -- the first of its kind in the U.S.S.R. -- sponsored by the Memorial Foundation for Jewish Culture.

The program, named the Nahum Goldmann Fellowship, will take place from August 18 to 28, 1991 at the Russian Switzerland, a Soviet resort in Zvenigorod, outside of Moscow, it was announced by Lord Immanuel Jakobovits, Foundation president. Two previous Fellowship sessions, designed to train leaders for Jewish communities in Europe, were held at Carmel College in Wallingford, England in 1987 and 1989.

Some 30 to 40 men and women between the ages of 25 and 45 from academia and the professions, all with potential for leadership in Soviet Jewish communal life, will be selected as Nahum Goldmann Fellows. Applicants will be judged on the basis of motivation, interest in Jewish learning and living, capacity for individual growth, current professional and communal status and qualifications and potential for Jewish communal leadership.

The program was initiated by the Memorial Foundation and will be coordinated in the Soviet Union by the Vaad (the Council of Jewish Organizations in the U.S.S.R.) and the Union of Synagogues of the U.S.S.R. Details of the seminar were arranged by Dr. Jerry Hochbaum, executive vice president of the Foundation, while he attended the second Congress of the Vaad in Moscow earlier this month.

"The institute will help achieve one of Nahum Goldmann's most cherished goals -- training the most talented and intellectually gifted Jewish individuals for cultural advancement and leadership of the Jewish community in the U.S.S.R.," said Jack J. Spitzer, chairman of the Memorial Foundation's executive committee.

Dr. Goldmann, after whom the program was named, died in 1982 at the age of 88. He was the founder and first president of the Memorial Foundation, which was established in 1965 with reparations funds from the Government of West Germany.

Serving as faculty for the Institute will be: Prof. Chimen Abramsky, University of London; Prof. Mordechai Altshuler, Hebrew University; Prof. Herman Branover, Ben Gurion University; Prof. David Fishman, Jewish Theological Seminary; Prof. Zvi Gitelman, University of Michigan, and David Harris, American Jewish Committee.

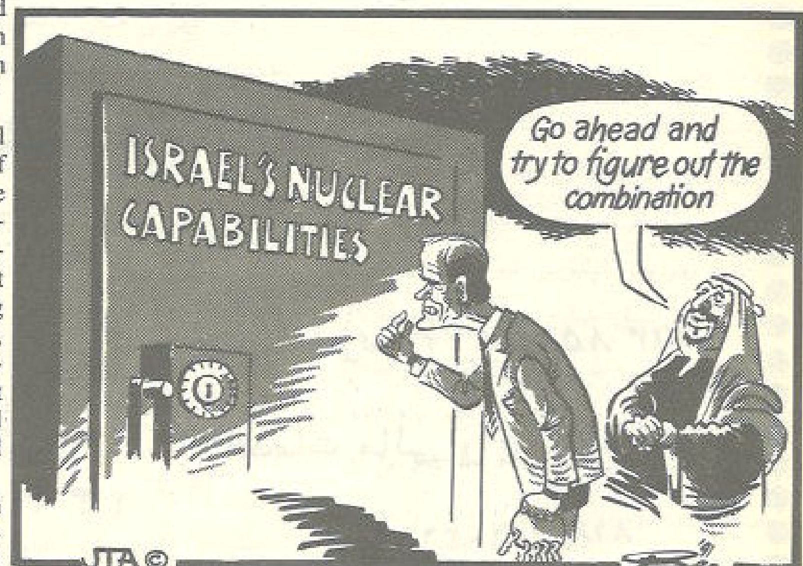


Yeshiva University Students

# Yeshiva University Students "Adopt" Tallinn, Estonia, Jews

THROUGH THE ONGOING EFFORTS OF ROTATING GROUPS OF YESHIVA UNIVERSITY STUDENTS, THE 3,000-MEMBER JEWISH COMMUNITY OF TALLINN, ESTONIA, HAS rediscovered its religious identity. The student-organized and run group, the Yeshiva University Students for the Revival of Soviet Jewry (YUSSR), has raised $75,000 to send two students every five weeks to Estonia to teach children and adults at the Tallinn Jewish School.

YUSSR's efforts have been so successful, the group will send 40 more students as counselors in summer camps under its auspices in Leningrad and Tallinn. Shown are three of the first four participants to return and the group's founder, including (L-R): Jeff Paley of Teaneck, NJ; founder Hillel Novetsky of Staten Island, NY; Kevin Taragin of Brooklyn, NY; and Yitzchok Rosenblum of Woodmere, NY.



# Understanding 242 And 338

*President Bush stated that the United States would be actively engaged in pursuing an Arab-Israeli peace based on UN Resolutions 242 and 338. Because Israel has always agreed that these resolutions should be the basis for peace with its neighbors, American and Israeli positions should be in harmony. The problem is that the Arab states have attempted to distort the meaning of the resolutions and have succeeded to the extent that many people parrot their misinterpretation.*

*The hope for peace depends to a large extent on these two resolutions, so it is vital that they be understood. The exact text appears in the accompanying boxes. An analysis of the history and meaning of the resolution follows:*

On November 22, 1967, the UN Security Council adopted Resolution 242, establishing the principles that were to guide the negotiations for an Arab-Israeli peace settlement. This resolution was a tortuously negotiated compromise between competing proposals. By examining what was discarded as well as the language that appears, it is possible to discern the Security Council's intent.

The first point addressed by the resolution is the "inadmissibility of the acquisition of territory by war." Some people read 242 as though it ends here and the case for requiring a total Israeli withdrawal from the territories is proven. On the contrary, this clause does no such thing, because the reference clearly applies only to an offensive war. If not, the resolution would provide an incentive for aggression. If one country attacks another, and the defender repels the attack and acquires territory in the process, the former interpretation would require the defender to return the land it took. Thus, aggressors would have little to lose because they would be insured against the main risk involved in case of defeat.

This logic could be applied to any Jordanian claim to the West Bank. Jordan attacked Israel in 1967. In repelling that aggression, Israel conquered the West Bank and reunited Jerusalem. If Israel were required to give the territories back to Jordan, it would mean that King Hussein's aggression did not have any price, and that he could launch new offensives with the knowledge that he could not lose any territory. In fact, U.S. Ambassador to the UN Arthur Goldberg told King Hussein that the United States could not guarantee the West Bank would be returned to Jordan.

In addition, the resolution clearly couples the provisions calling for a "peaceful and accepted settlement" with the question of the acquisition of territory.

### The Missing "The"

The most controversial clause in Resolution 242 is the call for the "Withdrawal of Israeli armed forces from territories occupied in the recent conflict." This is linked to the second unambiguous clause calling for "termination of all claims or states of belligerency" and the recognition that "every State in the area" has the "right to live in peace within secure and recognized boundaries free from threats or acts of force."

When President Bush said he believed a comprehensive settlement must be grounded in the principal of "territory for peace" he was referring to these clauses. The resolution does not make Israeli withdrawal a prerequisite to Arab action; nevertheless, the Arab states maintain that Israel must give up *all* the territory it occupies *before* they will do anything. But no Arab leader (except Egypt's Anwar Sadat) has ever said they would sign a peace treaty with Israel even if a complete withdrawal was implemented.

The other significant point is the question of how much territory Israel is required to give up. The Security Council *did not* say Israel must withdraw from "all" the territories occupied after the Six-Day war. This was quite deliberate. The Soviet delegate wanted the inclusion of those words and said that their exclusion meant "that part of these territories can remain in Israeli hands." **The Arab states pushed for the word "all" to be included, but this was rejected. They, nevertheless asserted that they would read the resolution as if it included the word "all."** The British Ambassador who drafted the approved resolution, Lord Caradon, declared after the vote: "It is only the resolution that will bind us, and we regard its wording as clear" (Prosper Weil, "Les Nouveaux Cahiers," Winter 1970).

This literal interpretation was repeatedly declared to be the correct one by those involved in drafting the resolution. On Dec. 9, 1969, for example, the British Foreign Minister told the House of Commons: "The omission of the word 'all' before the word 'territories' is deliberate." When asked to explain the British position later, Lord Caradon said: "It would have been wrong to demand that Israel return to its positions of June 4, 1967, because those positions were undesirable and artificial" (Beirut *Daily Star*, June 12, 1974).

Similarly, Amb. Goldberg explained on May 8, 1973: "The notable omissions — which were not accidental — in regard to withdrawal are the words 'the' or 'all' and 'the June 5, 1967 lines'....the resolution speaks of withdrawal from occupied territories without defining the extent of withdrawal."

The Arab states also objected to the call for "secure and recognized boundaries" because they feared this implied negotiations with Israel. The Arab League explicitly ruled this out a few months earlier at Khartoum when the Arabs proclaimed the famous three "noes" (*no* peace with Israel, *no* negotiations with Israel and *no* recognition of Israel). Amb. Goldberg explained that this phrase was specifically included because the parties were expected to make "territorial adjustments in their peace settlement encompassing less than a complete withdrawal of Israeli forces from occupied territories, inasmuch as Israel's prior frontiers had proved to be notably insecure."

### Palestinian Rights

The "Palestinian question" is not mentioned anywhere in Resolution 242. It is only alluded to in the second clause of the second article of 242, which calls for "a just settlement of the *refugee* problem." Nowhere does it require that Palestinians be given any unique political rights or territory. In fact, the use of the generic term "refugee" was an implicit acknowledgement that two refugee problems were products of the conflict — one Arab and another Jewish. In the case of the latter, an almost equal number of Jews fled Arab countries as Palestinians who left Israel. One big difference is that the Jews were never compensated by the Arab states, and no UN organizations were ever established to help them.

The second paragraph refers to the possibility of establishing demilitarized zones to guarantee secure borders. This is relevant to recent suggestions that the Golan Heights be demilitarized as part of a peace agreement with Syria. This is a conceivable option, but it is not required by 242: the resolution *does not* say that secure and recognized borders should be established through the creation of demilitarized zones. The two points are separate. Once boundaries are established, demilitarized zones are suggested as a way of guaranteeing them.

### Direct Negotiations

The ultimate goal of 242, as expressed in paragraph 3, is the achievement of a "peaceful and accepted settlement." This means a negotiated agreement based on the resolution's principles rather than one imposed upon the parties. This is also the implication, as Amb. Goldberg has stated (Jerusalem Post, May 28, 1984), of Resolution 338. That resolution, adopted after the 1973 War, called for negotiations *between the parties* to start immediately and concurrently with the cease-fire. As in 1967, the Arab states refused to comply and continue to this day to avoid compliance.

In a statement to the General Assembly Oct. 15, 1968, rejecting Resolution 242, the PLO said "the implementation of said resolution will lead to the loss of every hope for the establishment of peace and security in Palestine and the Middle East region."

In December 1988, Yasir Arafat said for the first time the PLO accepted 242 and 338, though he said it in the context of a statement asserting the right of "the state of Palestine" to exist in peace and security. A few weeks later, he clarified his position: "The acceptance of Resolution 242 by the PNC [Palestine National Council] is conditional upon three principles— a Palestinian state, self-determination and the right of return" (Middle East News Agency, Jan. 5, 1989). Thus, it turned out Arafat and the PLO never really changed their position.

The Arab states have traditionally said they accepted 242 as defined by them, that is, as requiring Israel's total, unconditional withdrawal from the occupied territories. Jordan was not even prepared to go that far. In July 1970, King Hussein declared that he no longer accepted Resolution 242. He now adheres to the Resolution as it's defined by the Arab states.

### TEXT OF SECURITY COUNCIL RESOLUTION 242, NOV. 22, 1967

The Security Council,

Expressing its continuing concern with the grave situation in the Middle East,

Emphasizing the inadmissibility of the acquisition of territory by war and the need to work for a just and lasting peace in which every State in the area can live in security,

Emphasizing further that all Member States in their acceptance of the Charter of the United Nations have undertaken a commitment to act in accordance with Article 2 of the Charter,

1. Affirms that the fulfillment of Charter principles requires the establishment of a just and lasting peace in the Middle East which should include the application of the following principles:

(i) Withdrawal of Israeli armed forces from territories occupied in the recent conflict;

(ii) Termination of all claims or states of belligerency and respect for and acknowledgement of the sovereignty, territorial integrity and political independence of every State in the area and their rights to live in peace within secure and recognized boundaries free from threats or acts of force;

2. Affirms further the necessity:

(a) For guaranteeing freedom of navigation through international waterways in the area;

(b) For achieving a just settlement of the refugee problem;

(c) For guaranteeing the territorial inviolability and political independence of every State in the area, through measures including the establishment of demilitarized zones;

3. Requests the Secretary-General to designate a Special Representative to proceed to the Middle East to establish and maintain contacts with the states concerned in order to promote agreement and assist efforts to achieve a peaceful and accepted settlement in accordance with the provisions and principles in this resolution;

4. Requests the Secretary-General to report to the Security Council on the progress of the efforts of the Special Representative as soon as possible.

### Israel Accepts 242

By contrast, Israel's position was given to the Security Council on May 1, 1968, by Amb. Abba Eban: "My government has indicated its acceptance of the Security Council resolution for the promotion of agreement on the establishment of a just and lasting peace. I am also authorized to reaffirm that we are willing to seek agreement with each Arab State on all matters included in that resolution."

Israel's policy in this regard has been unchanged for 24 years. Sadly, the Arab states' rejection of 242, *as written*, has also remained the same.

What do all these legalisms mean for the prospects for peace? The resolutions clearly call on the Arab states to make peace with Israel. The principal condition is that Israel withdraw from "territories occupied" in 1967. As Benjamin Begin said on "Nightline" (March 7), this has been interpreted to mean that Israel must withdraw from some, all, or none of the territories still occupied. The Likud position is that Israel withdrew from 91% of the territories when it gave up the Sinai and has thereby fulfilled its obligation under 242.

The question, then, is really whether Israel has to give up some of the territory it still holds. Begin hinted that compromise is possible, as it was with Egypt, during negotiations with the Arab states that result in a peace agreement. Would it be enough for Israel to give up part or all of the Golan Heights, part or all of the West Bank, part or all of the Gaza Strip, or some combination of these alternatives?

Until the Arab states sit down with Israel and fulfill their obligation under 242, it will be impossible to determine an acceptable formula for peace. The Arab position that Israel must withdraw from *all the* territories is simply inconsistent with the resolution and a nonstarter for negotiations.

U.S. diplomatic efforts can only succeed if the focus is placed on the Arab states' total non-compliance with 242. As Eugene Rostow has written (*Commentary*, Oct. 1989), Resolutions 242 and 338 provide the *only* possible basis for peace because they are "at least nominally agreed to by all the parties concerned, and they squarely confront the only cause of the prolonged conflict in the Levant: the steadfast refusal of the Arab states, except Egypt in 1977, to make peace with Israel." □

***The resolution does not make Israeli withdrawl a prerequisite to Arab action.***

### TEXT OF SECURITY COUNCIL RESOLUTION 338, OCT.22, 1973

The Security Council,

1. Calls upon all parties to present fighting to cease all firing and terminate all military activity immediately, no later than 12 hours after the moment of the adoption of this decision, in the positions they now occupy;

2. Calls upon all parties concerned to start immediately after the cease-fire the implementation of Security Council Resolution 242 (1967) in all of its parts;

3. Decides that, immediately and concurrently with the cease-fire, negotiations start between the parties concerned under appropriate auspices aimed at establishing a just and durable peace in the Middle East.

said in Jerusalem, "Already, five caravans have arrived in Kfar Batya to accommodate 60 children, and this is just the beginning. We are working in close cooperation with the Jewish Agency to meet these children's short and long range educational and absorption needs."

More immediately confronted were the issues of medical attention and communication with the newcomers. More than 100 more veteran newcomers were brought from the AMIT schools to four Tel Aviv area hospitals — Tel Hashomer, Beilinson, Assaf Harofeh, and Mein — to be on standby.

The newcomers, suffering from dehydration, hunger and several childbirths, in progress, has no means of communicating on even a basic level with physicians, and the students, working herculean 12-hour shifts, filled the gap.

It is these children who are perhaps the most elated and anxious as they await the imminent family reunification that have haunted their every waking moment for the past several years. Two 17-year old twins, a brother and sister at Petach Tikva's Blatt Youth Village, were among the very first to learn that their parents, whom they have not seen for seven long years, had arrived safely, and were en route to see them. This joyous story should be repeated many times as the week and the new exodus continue.

AMIT schools are Israel's official educational network for religious high school technological education.



# JUDEA CHRONICLE

Volume 1 6th issue
June,1991 Tamuz 5751

# Gulf War Stimulates American Public Support For Israel

What a difference a war makes. It was not a long ago when American Jewish leaders were claiming that public support for Israel had eroded. While this was never true, it was widely believed. Now, the reaction to Israel's behavior during the war has restored the faith of the doubters, at least for the short run.

Today, by almost any measure, Israel's standing in American public opinion is higher than it has ever been. On the traditional question comparing sympathies for the Arab states and Israel, supporting for Israel has gone well beyond the record level achieved after the Six-Day War. The 64% recorded in the latest Gallup poll easily surpasses the 56% of 1967. The 56 point margin over the Arab states, whose support dropped to its lowest level in 14 years (8%), was also a new high.

Responses to the polls explicitly indicate that Americans feel better about Israel since the war. Virtually all Americans -- 88% -- supported Israel's approach to the Gulf conflict, according to an ABC News/*Washington Post* poll conducted January 21. This support for Israel's handling of the Gulf situation has been translated into strengthened feelings of goodwill among Americans toward Israel. In the latest ABC/*Washington Post* poll (March 10), 69% of Americans said they had gained respect for Israel as a result of the war. By contrast, 30% said they had lost respect for the Palestinians, only 12% said they'd gained respect for them.

The most significant shift in attitudes, however, has probably been the perception of Israel as an ally. The one area where some erosion in support had occurred, largely attributable to the Administration's public criticism of Israeli actions, was in the question of reliablity. But in the January 24-25 Harris poll, for example, 86% said Israel is "friendly" or a "close ally," up from 61% in 1988. This is the *highest level* ever recorded in a Harris poll. The 48% who said Israel is a "close ally" is also a record.

## *86% said Israel is "friendly" or a "close ally", up from 61% in 1988.*

The polls also show a clear shift in perceptions of the reliablity of Saudis and Egyptians. Harris found that 77% of Americans now see Saudi Arabia as a "close ally" or "friendly," up from 44% in 1987 and 68% last August. The latest ABC/*Washington Post* poll found 60% of Americans saying that they have "gained respect" for Saudi Arabia and 48% said the same of Egypt.

These findings undermine my argument that Americans do not differentiate between Arabs. On the other hand, if you examine the actual behavior of Americans toward Arabs, exemplified by a serious increase in harassment of Arab-Americans, it is clearer that the negative stereotypes associated with Arabs have been reinforced by the war. The dramatic drop in sympathy for the Arab states also implies Americans are not going to adopt a more pro-Arab position as a result of fighting beside some Arab armies.

## *Ignorance about Arab-Israel relations is still clearly a problem.*

The Israeli government and Prime Minister Shamir have also benefitted from the war. Marttila and Kiley found that 58% of Americans have a "favorable impression" of the Israeli government. This is a remarkable shift from their December result of 24%. More than two-thirds of Americans (69%) now have a very favorable impression of Prime Minister Shamir, while only 14% say they have an unfavorable impression of the Prime Minister. By contrast, consider the ratios of Mubarak 49%-13%, Assad 17%-33%, Arafat 12%-70% and King Hussein 34%-48%.

The PLO remains unpopular, with 36% saying it is an enemy of the United States and another 30% classifying it as "not friendly" in the latest Harris poll. Marttila and Kiley found that 42% still said Israel should be willing to negotiate with the PLO "if that is the organization that the Palestinian people choose to represent them"; 47% said it should not.

The House of Representatives overwhelmingly approved the emergency aid package for Israel. Detractors claim such aid to Israel does not enjoy popular support, but the polls suggest otherwise. In the January 20 CBS/*New York Times* poll, a record high 19% supported increasing foreign aid to Israel. The total of 83% who said aid should remain the same or be increased was also a new high.

American support for a Palestinian state in the territories has declined, but does remain strong. For example, the percentage of Americans who favor the establishment of a Palestinian homeland in the territories dropped from 53% in October to 44% in the latest ABC/*Washington Post* survey.

As Israeli pollsters have found, question wording has a dramatic impact on support for a Palestinian state. When the question suggests that a Palestinian homeland could be a *risk to Israeli security*, support in the Marttila and Kiley poll dropped from 58% to 44% with 41% opposed. In addition, few Americans have any illusions that resolving the Palestinian conflict will bring lasting peace to the region -- 79% said there would still be conflict after a settlement.

Israelis are justifiably concerned that pressure will be placed on them to go to an international peace conference. Gallup found that 80% of Aamericans supported "a comprehensive Middle East peace conference that would take up the issue of Israel and the Palestinians once Iraq is defeated."

A February 7 Yankelovich/Clancy/Shulman poll found 63% of Americans polled saying they "think the U.S. should try to pressure Israel to reach a peace settlement with the Palestinians." Gallup, on the other hand, found much less support for U.S. pressure on Israel; only 45% thought the U.S. "should bring more pressure to bear on Israel to compromise to achieve peace with the Palestinians." This was a significant decrease from the 60% response in October.

Paralleling this Gallup result was the Marttila and Kiley finding that more than two-thirds of Americans believe the U.S. should maintain its current posture toward Israel and the Arab nations, rather than become "more responsive to Arab concerns in the Mideast, even if it requires being somewhat less responsive to Israel's concerns."

Ignorance about Arab-Israel relations is still clearly a problem. Marttila and Kiley found that only 12% knew that one Arab state recognizes Israel's right to exist. A plurality (42%) thought that at least two Arab states did; 22% thought that at least ten did. A third said they were unsure. Only 26% knew that no Arab nation has a democratic government like Israel's. Twenty-four percent thought two to nine Arab states do, and 40% are unsure.

Will this record level of American public support endure? In the short-term, it is difficult to see Americans shift their basic values in such a way that sympathy toward Israel would ever dramatically decline. On the other hand, opinion is volatile and the first time Israel does something that provokes an outburst of Administration criticism, the polls will take a dip.

Dr. Mitchell G. Bard is a foreign policy analyst in Washington, D.C. His book on U.S. Middle East policy, *The Water's Edge and Beyond*, will soon be released by Transaction Publishers.

### *'Operation Solomon'*

## How Jews rushed to help

Jerusalem — An emergency phone call this past Thursday night to Dr. Ami Ze'evi, director-general of Israel's AMIT educational network, immediately mobilized the school's staff and students to play a strategic role in the immediate demands of the historic "Operation Solomon," the airlift rescue of nearly 15,000 Ethiopian Jews.

"We knew something was coming," Dr. Ze'evi confided. "We were called into a closed emergency session two weeks ago by key officials and put on the alert — from that point on it became a tense waiting game."

AMIT's schools network has been a major educational player insofar as young Ethiopian Jewish newcomers are concerned.

The schools have been successfully integrating youngsters from Ethiopia since 1956, and many of their graduates were instrumental in carrying out both Operation Moses six years ago and this week's electrifying airlift exodus.

Three AMIT leaders rushed to Israel to help identify the needs and coordinate the organization's response. They are Norma Holzer, president-elect; Edith Agus, vice president-elect; and Mildred Hellerstein, treasurer-elect.

"It is amazing and satisfying beyond belief to see history unfolding before our eyes and to play a part in it," Mrs. Holzer

CONTINUED ON PAGE 15

